



دانشگاه قزوین

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

تقدیم به:

ساحت مقدس قطب عالم امکان حضرت ولی عصر(عج)
که جهان با وجود او بر مدار عشق می چرخد.
خورشید به یمن درخشش نورش ارض و سماء را نورباران می سازد.
از فیض نگاهش قلب منتظران چشم به راهش به تپش در می آید.
و با آمدنش قدم به چشمان ما می نهد.

و به پدری مهربان و مادری آزادمنش، دلسوز و فداکار که درس حقیقی
ولایت‌مداری را به من آموختند.

و به همسرم که نگاهش، امید، ایمان و محبت اهل بیت را در من شعله ور ساخت.

تقدیر و تشکر

در آغاز این پژوهش وظیفه خود می‌دانم که از زحمات بی‌شائبه، راهنمایی و مساعدت تمامی کسانی که در انجام این پژوهش مرا یاری رساندند تقدیر و تشکر نمایم.

در ابتدا از راهنمایی‌های عالمانه و بی‌دریغ استاد راهنمایم، حجة الاسلام والمسلمین جناب آقای دکتر غلامرضا بهروز لک و از استاد مشاورم حجة الاسلام والمسلمین دکتر منصور میراحمدی که با ارائه مشاوره‌های استادانه به غنای کار افزودند سپاسگزارم.

همچنین از ریاست محترم دانشگاه و مسئولین و دست‌اندرکاران کتابخانه‌ی مرکزی دانشگاه باقرالعلوم (ع) و تمامی کسانی که مرا در تدوین این پژوهش یاری نمودند خصوصاً همسر مهربان و فداکارم جناب آقای سید احسان سلامت و سایر دوستان عزیزم به خاطر هم‌یاری و مساعدت در روند شکل‌گیری این پژوهش کمال تشکر را دارم.

در پایان از پدر و مادر فداکار و مهربانم به خاطر پشتیبانی همیشگی از من در تمام مراحل زندگی نهایت تقدیر و سپاسگزاری را دارم.

چکیده

در این پژوهش به دنبال پاسخ به این سؤال بودیم که مبانی و حدود آزادی سیاسی در نظام سیاسی مهدوی چگونه است؟ بر اساس فرضیه ارائه شده؛ آزادی سیاسی در نظام سیاسی مهدوی مبتنی بر محوریت حاکمیت الهی و رهبری منجی موعود و در حدود قوانین الهی مصالح و منافع جامعه می باشد و در راستای بهره‌گیری از رهبری الهی انسان کامل اعمال می‌گردد.

برای آزمودن فرضیه، این رساله را در یک مقدمه و چهار فصل سازمان‌دهی کردیم. فصل اول کلیات، مفاهیم و چارچوب نظری است. در این فصل ابتدا به تعریف آزادی از دیدگاه اندیشمندان مختلف، گونه‌شناسی آزادی (آزادی مثبت و منفی، معقول و غیر معقول و آزادی سیاسی، اجتماعی و معنوی)، تعریف آزادی سیاسی، عناصر و مولفه‌های آن و همچنین انواع آزادی سیاسی بر مبنای رفتار سیاسی و دیگری حقوق اساسی افراد و تشکل‌ها پرداخته شده و سپس پیشینه‌ی بحث آزادی در سنت اسلامی بیان شده است. در ادامه این فصل، تعریف مفهوم نظام سیاسی تعریف اصطلاحات مترادف با آن و انواع نظام‌های سیاسی بیان شده است. چارچوب نظری که برای این پژوهش مناسب به نظر می‌رسید نظریه کارکردگرایی ساختاری است که می‌توان نظام سیاسی مهدوی را در قالب آن تطبیق داد.

فصل دوم ویژگی‌های ساختار نظام سیاسی مهدوی را بیان می‌کند که ابتدا به ویژگی‌های مدینه فاضله مهدوی و سپس خاستگاه و شیوه استقرار حکومت مهدوی و در نهایت ساختار و نهادهای اساسی در نظام سیاسی مهدوی شامل نهاد امامت، وزارت، امارت و کارگزار و اجرا مطرح شده است.

برای تدوین مباحث اصلی این پژوهش فصل 3 و 4 در نظر گرفته شده است که فصل سوم به مبانی نظری آزادی سیاسی در نظام سیاسی مهدوی می‌پردازد این مبانی شامل مبانی هستی‌شناسی، معرفت‌شناسی، انسان‌شناسی و جامعه‌شناسی است. فصل چهارم این پژوهش به بحث فضاها و محدوده آزادی سیاسی می‌پردازد. اما ابتدائاً موانع آزادی سیاسی در عصر پیش از ظهور طرح شده است. سپس آزادی‌هایی که در نظام سیاسی مهدوی وجود خواهد داشت در دو دسته آزادی‌های سلبی و آزادی‌های ایجابی طرح شده است و در خاتمه هم نتیجه‌گیری این رساله بیان شده است.

فهرست مطالب

9	مقدمه: طرح تحقیق.....
10	1. طرح موضوع.....
10	2. علت انتخاب موضوع، اهمیت و فایده‌ی آن:.....
10	3. سابقه پژوهش:.....
11	4. سؤال اصلی پژوهش:.....
11	5. فرضیه پژوهش:.....
11	6. مفاهیم و متغیرها:.....
11	1. آزادی سیاسی:.....
11	2. نظام سیاسی.....
11	3. حاکمیت الهی:.....
11	4. رهبری منجی موعود.....
12	متغیر مستقل.....
12	متغیر وابسته.....
12	7. سئوالات فرعی:.....
12	8. پیش فرض‌های پژوهش:.....

12	9. اهداف پژوهش:
12	10. روش پژوهش و جمع‌آوری اطلاعات و داده‌ها:
13	11. سازماندهی پژوهش:
14	فصل اول: کلیات مفاهیم و چارچوب نظری
15	مقدمه:
16	- تعریف آزادی
19	- گونه‌شناسی آزادی:
22	1. آزادی اجتماعی
22	2. آزادی معنوی:
23	3. آزادی سیاسی:
23	ساز و کارهای آزادی سیاسی در اندیشه شهید مطهری:
23	الف: آزادی در انتخاب و رأی:
24	ب: آزادی در اظهار نظر و نظارت:
25	ج: آزادی فعالیت‌های سیاسی:
26	- مفهوم آزادی سیاسی
27	عناصر و مؤلفه‌های آزادی سیاسی
27	الف) فاعل:
28	ب) مانع:
28	ج) هدف:
29	تقسیم آزادی سیاسی بر اساس نوع رفتارهای سیاسی:
29	1. انتخاب حاکم و زمامدار:
30	2. تعیین سرنوشت و مشارکت در فرایند تصمیم‌گیری:
30	3. تأثیرگذاری بر تصمیمات و عملکردهای دولت و دولتمردان

- 30.....4. رقابت سیاسی:.....
- 30.....تقسیم آزادی سیاسی بر اساس حقوق اساسی اشخاص و تشکل‌ها:.....
- 31.....1- آزادی و حق انتخاب شدن.....
- 31.....2- آزادی از تفتیش عقاید:.....
- 31.....پیشینه بحث آزادی در سنت اسلامی:.....
- 32.....اصل اول: تخریر در انتخاب دین:.....
- 32.....اصل دوم: اباحه:.....
- 33.....دلیل عقلی بر براءت:.....
- 33.....اصل سوم: عدم سلطه‌ی انسان بر انسانی دیگر.....
- 36.....اصل چهارم: "امر بین الامرین".....
- 37.....اصل پنجم: حسن و قبح عقلی:.....
- 38.....- مفهوم نظام سیاسی.....
- 38.....تعریف و ویژگی‌ها:.....
- 40.....اصطلاحات مترادف با نظام سیاسی:.....
- 40.....1- دولت:.....
- 41.....2- حکومت:.....
- 42.....3. کشور:.....
- 43.....انواع نظام‌های سیاسی:.....
- 44.....1. نظام سیاسی غیر دینی:.....
- 44.....2. نظام‌های سیاسی دینی:.....
- 44.....2- الف. نظام‌های سیاسی با رهبری منصوب.....
- 45.....2- الف. 1: نظام سیاسی با رهبری پیامبر:.....
- 46.....2- الف. 2: نظام سیاسی با رهبری امام معصوم (نظام سیاسی امامت).....

- 46.....2- الف. 3: ج: نظام سیاسی با رهبری فقیه (ولایت فقیه)
- 46.....2. ب: نظام‌های سیاسی دینی با رهبری غیر منصوب:
- 47.....2- ب. 1- نظام سیاسی با رهبری خلیفه:
- 47.....2- ب. 2- نظام سیاسی با رهبری پادشاه (نظام سلطنت):
- 49.....چارچوب نظری
- 49.....نظریه سیستمی (کارکردگرایی ساختاری)
- 50.....ساختار و کارویژه:
- 55.....تشکیل نظام سیاسی مهدوی
- 56.....نتیجه‌گیری فصل اول:

Error! Bookmark فصل دوم: ویژگی‌های ساختار نظام سیاسی مهدوی

not defined.

Error! Bookmark not defined. مقدمه:

Error! Bookmark not حکومت برتر یا جامعه موعود در سیر تاریخی:

defined.

Error! Bookmark not ویژگی‌های مدینه فاضله مهدوی از دیدگاه شیعه

defined.

Error! Bookmark not defined. 1- تکامل نیروی عقل و اندیشه..

Error! Bookmark not defined. 2- توحید و وحدت جهانی:

Error! Bookmark not defined. 3- پیشرفت‌های عظیم علمی:

Error! Bookmark not 4- پیشرفت کشاورزی و بروز ذخایر ارضی:

defined.

Error! Bookmark not defined. 5- عدالت، امنیت و برادری:

Error! Bookmark not 6. سازندگی و توسعه در راه‌ها و شهرها:

defined.

Error! Bookmark not 7- نفی تمدن جاهلی یا احیای تمدن قرآنی:

defined.

Error! Bookmark not defined...... ساختارها و نهادها:

الف: خاستگاه و شیوه استقرار حکومت جهانی حضرت مهدی (عج)

Error! Bookmark not defined......

Error! Bookmark not defined...... 1. نصب خاص الهی

Error! Bookmark not defined.... 2. تعیین پیامبر یا امام قبلی

Error! Bookmark not defined...... ج: پذیرش و رضایت مردم

Error! Bookmark not defined...... ب: ساختار قدرت و حکومت

Error! Bookmark not defined...... 1. حکومت تک ساختی

Error! Bookmark not defined...... 2. الگوی فدرال

Error!..... 3. دولت بزرگ اسلامی و جمهوری‌های آزاد و مستقل

Bookmark not defined.

Error! Bookmark not defined...... 4. الگوی حکومتی امامت

Error! Bookmark not defined...... ج: ساختار نظام سیاسی

Error! Bookmark not defined...... 1. امام (نهاد امامت و رهبری)

Error! Bookmark not defined...... 2. نهاد وزارت:

Error! Bookmark not defined...... 3. نهاد امارت و ولایت:

Error! Bookmark not defined...... یاران خاص:

Error! Bookmark not defined...... 4. نهاد کارگزاران

Error! Bookmark not defined...... 1-4. فقیهان و حاکمان شرع:

Error! Bookmark not defined...... 2-4. اختیار:

Error! Bookmark not defined...... 3-4. خزانه‌داران:

Error! Bookmark not defined...... 4-4. رفقا و ابدال:

Error! Bookmark not defined...... 5-4. نجبا:

Error! Bookmark not defined......6-4. عصاب:

Error! Bookmark not defined......7-4. زنان:

Error! Bookmark not defined......8-4. سپاهیان فرمانداران:

Error! Bookmark not.....8-4 - الف: فرماندهان سپاه:

defined.

Error! Bookmark.....8-4 - ب: سپاهیان حضرت مهدی:

not defined.

Error! Bookmark not.....8-4 - ج: گارد حفاظتی:

defined.

Error! Bookmark not defined......5. نهاد قضاوت:

Error! Bookmark not.....1-5. قضاوت امام مهدی (عج):

defined.

Error! Bookmark not.....2-5. قضاوت حضرت عیسی (ع):

defined.

Error! Bookmark not.....3-5. قضاوت قاضیان و عالمان:

defined.

Error! Bookmark not defined......9. محل حکومت (پایتخت):

Error! Bookmark not defined......10. مدت حکومت:

Error! Bookmark not defined......نتیجه‌گیری فصل دوم:

Error!.....فصل سوم: مبانی آزادی سیاسی در نظام سیاسی مهدوی

Bookmark not defined.

Error! Bookmark not defined......مقدمه:

Error! Bookmark not defined......1. مبانی هستی‌شناسی

Error! Bookmark not defined......2. مبانی معرفت‌شناسی

Error! Bookmark not defined......3. مبانی انسان‌شناسی

Error! Bookmark not defined......الف: اراده و اختیار

Error! Bookmark not defined. ب: فطرت:

Error! Bookmark not defined. 4. مبانی اجتماعی:

Error! Bookmark not defined. الف: حق طبیعی:

Error! Bookmark not defined. ب: رشد و تکامل انسان:

Error! Bookmark not defined. ج: اصل مساوات و برابری ذاتی:

Error! Bookmark not defined. نتیجه‌گیری فصل سوم:

Error! فصل چهارم: موانع، فضاها و حدود آزادی در نظام سیاسی مهدوی.

Bookmark not defined.

Error! Bookmark not defined. مقدمه:

Error! Bookmark not defined. موانع آزادی در جامعه‌ی پیش از ظهور

Error! Bookmark not defined. 1. استبداد حکومت‌ها:

Error! Bookmark not defined. 2. هرج و مرج و ناامنی:

Error! Bookmark not defined. 3. جنگ، کشتار و فتنه‌ها:

Error! Bookmark not 4. حاکمیت معیارهای سرمایه‌داری:

defined.

Error! 5. گسترش نظام فقرمدارانه، گرسنگی و کساد تجارت:

Bookmark not defined.

Error! Bookmark not 6. انگیزه‌های غیر انسانی در روابط اجتماعی:

defined.

Error! Bookmark not 7. فساد اخلاقی و گسیختن روابط انسانی:

defined.

Error! 8. دین‌فروشی و انحراف در معیارها برای شناخت حق:

Bookmark not defined.

Error! فضاها و مصادیق آزادی سیاسی در نظام سیاسی مهدوی

Bookmark not defined.

Error! Bookmark not defined. الف: آزادی‌های سلبی:

الف) 1- آزادی از سلطه‌ی مستکبران جهانی: **Error! Bookmark**

not defined.

الف) 2- آزادی و امنیت اجتماعی: **Error! Bookmark not**

defined.

الف) 3- آزادی از نظام فقرمدرانه‌ی اقتصادی ناشی از سیاست‌های

استکبارانه جهانی **Error! Bookmark not defined.**

الف) 4- آزادی، مساوات و برابری در حکومت مهدی: **Error!**

Bookmark not defined.

الف) 5- آزادی از هواهای نفسانی (آزادی از جامعه‌ی آلوده به هواهای

نفسانی) **Error! Bookmark not defined.**

ب: آزادی‌های ایجابی **Error! Bookmark not defined.**

ب) 1- آزادی در دستیابی به اطلاعات و دانش و رشد فهم سیاسی

..... **Error! Bookmark not defined.**

ب) 2- آزادی از شرک و بت‌پرستی و وحدت سیاست دینی: **Error!**

Bookmark not defined.

ب) 3- آزادی دینی و جایگاه اقلیت‌های مذهبی در سیاست مهدوی

..... **Error! Bookmark not defined.**

حدود آزادی سیاسی در نظام سیاسی مهدوی **Error! Bookmark not**

defined.

1. حق الهی: **Error! Bookmark not defined.**

2. مصالح فردی: **Error! Bookmark not defined.**

3. مصالح، منافع و حقوق دیگران: **Error! Bookmark not defined.**

4. حق جامعه: **Error! Bookmark not defined.**

نتیجه فصل چهارم **Error! Bookmark not defined.**

خاتمه (نتیجه‌گیری) **Error! Bookmark not defined.**

فهرست منابع **Error! Bookmark not defined.**

Error! Bookmark not defined......الف) کتابها.

Error! Bookmark not defined......ب) فهرست مقالات

مقدمه:

طرح تحقیق

1. طرح موضوع

آزادی یکی از اصیل‌ترین ارزش‌های نوع بشر به شمار می‌رود از این رو همگان آن را می‌ستایند، انسان‌ها بر حسب سرشت خود در پی آزادی و رهایی از بردگی هستند. فلاسفه حقوق نیز برای آزادی جایگاهی اساسی در حقوق قائلند و لزوم رعایت این اصل را در امر قانون‌گذاری مورد تأکید قرار می‌دهند هرچند در تعریف و حد و مرز آن اختلاف نظر دارند.

از این رو و با توجه به مسأله مهم مهدویت و تشکیل حکومت جهانی حضرت مهدی (عج) در این پژوهش برآنیم تا ضمن بررسی ابعاد مختلف آزادی و همچنین تحقیق و تبیین ساختار و نظام سیاسی دولت کریمه حضرت مهدی (عج) و با محوریت منابع شیعی به تبیین و بررسی این اصل اساسی یعنی آزادی سیاسی و جایگاه آن در حکومت جهانی حضرت مهدی (عج) بپردازیم.

2. علت انتخاب موضوع، اهمیت و فایده‌ی آن:

علاقه شخصی و گرایش به مباحث مهدویت و همچنین احساس نیاز به تحقیق و پژوهش بیشتر در زمینه مهدویت و ابعاد مختلف حکومت جهانی حضرت مهدی (عج) در جهت آشنایی هر چه بیشتر مردم خصوصاً قشر دانشگاهی در راستای زمینه‌سازی برای ظهور آن موعود هم‌ام بر آن شدم تا موضوع پایان‌نامه کارشناسی ارشد خود را آزادی سیاسی در نظام سیاسی مهدوی انتخاب نمایم.

3. سابقه پژوهش:

در رابطه با ویژگی‌ها، امامت و حکومت امام زمان تاکنون کتب متعددی نگارش شده است از جمله 1. چشم‌اندازی به حکومت مهدی (عج) از نجم الدین طبری 2. عصر زندگی و چگونگی آینده انسان از محمد حکیمی 3. حکومت جهانی مهدی از مکارم شیرازی و امامت و مهدویت از صافی گلپایگانی و... اما تاکنون هیچ

کتاب و یا مقاله‌ای مشاهده نشده است که در رابطه با آزادی سیاسی در حکومت جهانی حضرت مهدی (عج) نگارش شده باشد.

4. سؤال اصلی پژوهش:

مبانی و حدود آزادی سیاسی در نظام سیاسی مهدوی چگونه است؟

5. فرضیه پژوهش:

آزادی سیاسی در نظام سیاسی مهدوی مبتنی بر محوریت حاکمیت الهی و رهبری منجی موعود و در حدود قوانین الهی مصالح و منافع جامعه می باشد و در راستای بهره‌گیری از رهبری الهی انسان کامل اعمال می‌شود.

6. مفاهیم و متغیرها:

1. آزادی سیاسی: آزادی سیاسی به معنای آزادی افراد در امر انتخاب و قانون‌گذاری است و قانون‌گذاری باید تابع اراده‌ی افراد جامعه ولی محدود به حدود شرعی باشد.

2. نظام سیاسی: نظام سیاسی شکل و ساخت قدرت دولتی و همه‌ی نهادهای عمومی اعم از سیاسی اداری، اقتصادی، نظامی، مذهبی، چگونگی کارکرد این نهادها و قوانین حاکم بر آنهاست.¹

3. حاکمیت الهی: هسته اصلی و مرکزی تمام مسائل اعتقادی و تربیتی و برنامه‌های سیاسی و انتظامی، ایمان به وحدانیت و یگانگی خداوند متعال است که خالق، رازق و مالک کل و بی‌نیاز از کل است و حق تعیین و نصب حاکم، ولی، امام، تشریح، فرمان امر و نهی از تکالیف، الزام و ولایت مطلق بر کلیه‌ی امور مختص به اوست هر حاکمیت و مالکیتی که به اذن او نباشد استعلا، طغیان و استبداد است.

4. رهبری منجی موعود: طبق تعالیم شیعه بدون شک روزی مهدی موعود ظهور خواهد کرد و تمام جهان

1 - عبدالحمید ابوالحمد، نظام سیاسی اسلام، قم: هاجر، ص 40 و 41.

کلیه حقوق مادی و معنوی این اثر متعلق به دانشگاه باقر العلوم علیه السلام می باشد

را زیر لوای رهبری خود به آزادی و رهایی از کلیه قیود مادی و نفسانی بشر خواهد رساند.

متغیر مستقل: حاکمیت الهی، رهبری الهی مهدی موعود در دولت جهانی

متغیر وابسته: آزادی سیاسی

7. سئوالات فرعی:

1. مفهوم آزادی و آزادی سیاسی چیست و تعریف آن از دیدگاه‌های مختلف چگونه است؟
 - گونه‌شناسی انواع آزادی را بیان کنید؟
 - عناصر و مؤلفه‌های آزادی سیاسی چیست؟
 - پیشینه‌ی بحث آزادی در سنت اسلامی چگونه است؟
2. ویژگی‌های ساختار نظام سیاسی مهدوی چگونه است؟
3. مبانی، آزادی سیاسی در نظام سیاسی مهدوی چیست؟
4. حدود و قلمرو آزادی سیاسی در نظام سیاسی مهدی چگونه می‌باشد؟

8. پیش‌فرض‌های پژوهش:

- حکومت حضرت مهدی روزی تحقق می‌یابد و جهانی می‌شود.
- این حکومت در راستای حاکمیت الهی است.
- در این حکومت انسان به آزادی و رهایی حقیقی می‌رسد.
- آزادی سیاسی در این نظام سیاسی جهانی در محدوده‌ی حاکمیت الهی به انسان‌ها اعطاء می‌شود.

9. اهداف پژوهش:

تبیین و بررسی آزادی خصوصاً آزادی سیاسی در نظام سیاسی مهدوی در جهت آشنایی هر چه بیشتر علاقه‌مندان به مطالعه در این زمینه خصوصاً دانشجویان و دانشگاهیان عزیز با توجه به نیاز مبرم به طرح چنین مباحثی در جامعه.

10. روش پژوهش و جمع‌آوری اطلاعات و داده‌ها:

در این پژوهش به شیوه کتابخانه‌ای و از روش تحلیل محتوایی آیات و روایات رسیده در خصوص

حکومت جهانی حضرت مهدی(عج) و در قالب چارچوب نظری کاردکرایی - ساختاری استفاده شده است.

11. سازماندهی پژوهش:

این پژوهش از یک مقدمه و 4 فصل تشکیل شده است.

فصل اول: مفاهیم و کلیات و چارچوب نظری

فصل دوم: ویژگی‌ها و ساختار نظام سیاسی مهدوی

فصل سوم: مبانی آزادی سیاسی در نظام سیاسی مهدوی

فصل چهارم: حدود آزادی سیاسی در نظام سیاسی مهدوی

و در خاتمه نیز نتیجه‌گیری این پژوهش بیان شده است.

فصل اول:

کلیات مفاهیم و چارچوب نظری

مقدمه:

آزادی یکی از اصیل‌ترین ارزش‌های نوع بشر به شمار می‌رود از این رو همگان آن را می‌ستایند؛ انسان‌ها به حسب سرشت خود در پی آزادی و رهایی از بردگی هستند؛ فلاسفه حقوق نیز برای آزادی جایگاهی اساسی در حقوق قائلند و لزوم رعایت این اصل را در امر قانون‌گذاری مورد تأکید قرار می‌دهند هر چند در تعریف و حد و مرز آن اختلاف نظر دارند.

آزادی مفهوم انتزاعی است و تعریف روشنی از آن وجود ندارد همین امر موجب اختلاف نظر و سوء تفاهم در حد و مرز و ارتباط آن با دین شده است از این جهت و در راستای تبیین مفهوم آزادی خصوصاً آزادی سیاسی در نظام سیاسی مهدوی بجاست نخست تعاریف مختلف آن را به اجمال بررسی کنیم.

اما منشأ آزادی را باید در دوران ماقبل تاریخ و در حوزه حقوقی جست و جو کنیم. در آن دوران انسان آزاد از لحاظ حقوقی با برده‌ی خویش تفاوت داشت هر جا که سنت برده‌داری وجود داشت تعریف آزادی مشکلی به بار نمی‌آورد. در این شرایط آزادی عبارت از شأن حقوقی انسان‌های آزاد در مقابل بردگان بود در حقیقت چنین تعریفی از آزادی آن قدر روشن و صریح و مورد قبول عامه بود که کنار نهادن آن و ارائه مفهومی نو و گسترده به تلاش قابل ملاحظه‌ای نیاز داشت. تا جایی که ما می‌دانیم یونانیان نخستین کسانی بودند که در انجام چنین تلاشی موفق شدند و در نتیجه مفهوم آزادی را در مسیری انداختند که سرانجام آزادی به یکی از اندیشه‌های تعیین‌کننده روند تاریخ جهانی تبدیل شد.

در باره‌ی آزادی ذکر چند نکته ضروری است که علی‌رغم فقدان توافق عمومی در باره‌ی این مفهوم می‌توان با اطمینان آنها را غیر قابل بحث و منازعه تلقی نمود. یکی از آنها نسبی بودن مفهوم آزادی است. یا به گفته فیلسوف معاصر فرانس روزنتال "تنها از آن جهت که در یک طرف محدودیتی وجود دارد که می‌توان گفت که طرف دیگر آزادی، امکان می‌یابد.²

2 - فرانس، روزنتال، مفهوم آزادی از دیدگاه مسلمانان، ترجمه منصور میراحمدی، قم: مرکز انتشارات دفتر تبلیغات اسلامی، ص 18 و 19.

حکم قطعی دیگری که در باره‌ی آزادی می‌توان گفت مربوط به ضرورت تمایز میان انواع آزادی است. آزادی سطوح مختلفی دارد که می‌توان آنها را از هم متمایز کرد. البته این تمایز مطلق نیست بلکه هر جا مفهوم آزادی به مثابه‌ی یک نیروی تاریخی موثر بوده است لزوماً کنش متقابلی میان سطوح مختلف آزادی وجود داشته است.

- تعریف آزادی

آزادی، در زبان فارسی به واژگانی از قبیل عتق، حریت، اختیار، قدرت عمل و ترک عمل قدرت انتخاب، رهایی، خلاص معنا شده است.³ و مترادف واژه عربی «الحریه» و واژه انگلیسی Liberty و Freedom است. قدیمی‌ترین تعریف آزادی در خاور نزدیک متعلق به یک اثر سریانی که به شخصی به نام میشل یابازود نسبت داده شده و در حدود سال هشت صد میلادی تألیف شده است به چشم می‌خورد. در این اثر به دنبال تعریف «اراده» چنین آمده است: آزادی، قدرت نامحدود طبایع عقلانی است هم طبایعی که با حواس سر و کار دارند و هم طبایعی که با ادراک عقلانی سر و کار دارند.

آفریم بزرگ با ابراز احساسات، آزادی را هدیه‌ای از جانب خداوند می‌داند که به عنوان بزرگ‌ترین موهبت موعود به [حضرت] آدم اعطا شده است و آن را به عنوان جلوه‌ای از خداوند که بدون آن جهان فرو می‌ریزد ستایش می‌کند. آنتی‌تز آزادی، طبیعت است که به معنای بردگی است. در حالی که آزادی در انسان به صورت خوی و عادت ظهور می‌کند. آزادی برای استفاده انسان و برای این که به اراده او کنترل گردد به وجود آمده است. خداوند و شریعت الهی می‌توانند آزادی را محدود کنند. شیطان می‌خواهد آزادی را متوقف کند اما موفق نمی‌شود. نام انسان نشان‌گر این است که او آزادمرد است نه برده قدرت‌مند است نه اسیر و رهاست و نه مقید و بالاخره این که انسان انتخاب‌گر و دارای اراده است و نه مجبور.⁴

به هر حال آزادی همزاد و گوهر آدمی است او آزاد متولد می‌شود و باید آزاد زندگی کند و راه و رسم حیات خویش را برگزیند چنان که حضرت علی(ع) می‌فرماید: «بنده‌ی دیگری نباش که خداوند تو را آزاد آفریده است».⁵

3 - علی اکبر دهخدا، لغت‌نامه، ج 1، تهران: دانشگاه تهران.

4 - فرانسس روزنتال، پیشین، ص 41-42.

5 - نهج البلاغه، نامه 31.

در اندیشه امام خمینی (ره) آزادی بی نیاز از تعریف است. ایشان در مصاحبه با اورینا فلاچی روزنامه نگار ایتالیایی که از تعریف آزادی می پرسد، می فرمایند:

«آزادی یک مسأله‌ای نیست که تعریف داشته باشد. مردم عقیده‌شان آزاد است. کسی الزامشان نمی‌کند که شما باید حتماً این عقیده را داشته باشید. کسی شما را الزام نمی‌کند که باید حتماً این راه را بروید. کسی شما را الزام نمی‌کند که باید این را انتخاب کنی، کسی الزامتان نمی‌کند که در کجا مسکن داشته باشی یا در آنجا چه شغلی داشته باشی، آزادی یک چیز واضحی است.»⁶

منتسکیو نیز آزادی را به «انجام هر کاری که قانون اجازه دهد» تعریف می‌کند.⁷ در تعریف دیگری از آزادی می‌خوانیم «آزادی عبارت از نبودن مانع در سر راه اندیشه‌ی درست و اعمال شایسته است.»⁸ اعلامیه حقوق بشر فرانسه آزادی را به معنای «توانایی بر انجام کاری که به دیگران زیان نرساند»⁹ تفسیر می‌کند.

شهید بزرگوار دکتر بهشتی در تعریف آزادی چنین می‌گویند:

«آزادی یعنی تسلط انسان بر ساختن خویش و ساختن محیط خویش، امتیاز انسان بر همه‌ی موجودات دیگر عالم طبیعت این است که می‌تواند بر طبع مسلط باشد و شرایطی طبیعی را بر وفق خواسته و نیاز خود دگرگون کند و یا در برابر هجوم عوامل نامساعد طبیعی سد و مانعی به وجود آورد.»¹⁰

در اندیشه شهید مرتضی مطهری در باره آزادی چنین آمده است:

«از دیدگاه اسلام آزادی و دموکراسی بر اساس آن چیزی است که تکامل انسان ایجاب می‌کند. یعنی آزادی، حق انسان به ما هو انسان است. حق ناشی از استعدادهای انسانی انسان است نه حق ناشی از میل افراد و تمایلات آنها، دموکراسی در اسلام یعنی انسانیت

6 - روح الله خمینی، صحیفه‌ی نور، مجموعه رهنمودهای امام خمینی، ج 9، تهران: مرکز مدارک و فرهنگ انقلاب اسلامی، ص 88.

7 - منتسکیو، روح القوانین، ترجمه علی اکبر مهتدی، تهران: نی، ص 249.

8 - زین العابدین قربانی، اسلام و حقوق بشر، تهران: قلم، ص 189.

9 - عباس علی عمید زنجانی، فقه سیاسی، ج 1، تهران: امیرکبیر، ص 552.

10 - بهشتی، اسطوره‌ای بر جاودانه تاریخ (راست قامتان جاودانه تاریخ اسلام)، دفتر سوم، ص 1183.

رها شده، حال آن که این واژه در قاموس غرب [به] معنای حیوانیت رها شده است.¹¹

دیدگاه مطهری در مورد انسان دیدگاه اندیشه‌وری است که قائل به آزادی تمام و کمال آدمی است که بتواند استعدادهايش را به فعلیت درآورد و البته از آن در جهت کمال و پیشرفت استفاده کند در اندیشه او آدمی دارای خصلت‌های آزادی‌خواهانه است و روح آزادی‌خواهی و حریت در تمام دستورات اسلامی به چشم می‌خورد.¹² او معتقد است: «تعلیمات لیبرالیستی در متن تعالیم اسلامی وجود دارد... اسلام دین حریت و آزادی است.»¹³

آزادی در نگاه مطهری دو رکن دارد: یکی عصیان و تمرد و دیگری تسلیم و انقیاد «بدون عصیان و تمرد، رکود و اسارت است. و بدون تسلیم و انقیاد و اصولی بودن، هرج و مرج است.»¹⁴

از زاویه دیگر آزادی در اندیشه مطهری یک راه و روش برای رسیدن به مقصد است آزادی خود هدف و مقصد نیست. بلکه تنها معبر و گذرگاهی است برای دستیابی به هدف‌هایی برتر و بالاتر. «آزادی کمال وسیله‌ای است نه کمال هدفی هدف انسان این نیست که آزاد باشد ولی انسان باید آزاد باشد تا به کمالات خویش برسد. آزادی یعنی اختیار، انسان در میان موجودات تنها موجودی است که خود باید راه خود را انتخاب کند و حتی به تعبیر دقیق‌تر خودش باید خودش را انتخاب بکند. ... انسان اگر آزاد نبود نمی‌توانست که کمالات بشریت را تحصیل کند [همچنان که] یک موجود مجبور نمی‌تواند به آن جا برسد، پس آزادی یک کمال وسیله‌ای است نه یک کمال هدفی.»¹⁵

بنابراین آزادی از آن رو قابل تقدیر است که انسان می‌تواند بدان وسیله به حرکت درآید و در مسیر زندگی خود دست به انتخاب بزند و جهت زندگی خویش را برگزیند. «با آزادی است که ممکن است انسان به عالی‌ترین کمالات و مقامات برسد و ممکن است به اسفل السافلین سقوط کند.»¹⁶

لازم به ذکر است در رابطه با تعریف آزادی 2 مفهوم مرتبط با آن وجود دارد. یعنی رهایی و اختیار. در باره‌ی تعریف رهایی و تفاوت آن با آزادی علامه محمدتقی جعفری می‌گویند رهایی عبارت است از: «برداشتن

11 - مرتضی مطهری، پیرامون انقلاب اسلامی، چاپ نهم، تهران: صدرا، ص 101.

12 - همان، ص 42 و 41.

13 - همان، ص 53.

14 - حسین یزدی، آزادی در نگاه شهید مطهری، تهران: صدرا، ص 32.

15 - مرتضی مطهری، انسان کامل، چاپ نهم، تهران: صدرا، ص 436 و 347.

16 - همان، ص 347.

قید یا زنجیر یا هر عاملی که موجب بسته شدن مسیر جریان اراده در یک یا چند موضوع باشد»¹⁷
وی در توضیح آزادی و تفاوت آن با رهایی، آزادی را در دو درجه تعریف می‌کند: «درجه یکم آزادی طبیعی محض عبارت است از توانایی انتخاب یک هدف از میان اشیایی که ممکن است به عنوان هدف منظور شوند و یا انتخاب یک وسیله از میان اشیایی که ممکن است وسیله تلقی شوند این درجه از آزادی، فوق حالت رهایی است که عبارت است از برداشته شدن قید و مانع از جریان اراده.

درجه دوم آزادی تصعید شده عبارت است از نظاره و سلطه‌ی شخصیت بر دو قطب مثبت و منفی کار. با نظر به این تعریف هر اندازه نظاره و سلطه مزبور بیشتر باشد آزادی انسان در آن کار بیشتر خواهد بود و بالعکس هر اندازه از نظاره یا سلطه شخصیت در باره کار کاسته شود به همان اندازه از آزادی در آن کار کاسته می‌شود این درجه از آزادی با حالت رهایی خیلی متفاوت است زیرا انسان در این درجه از آزادی از شخصیت خود در اجرای توانایی بر دو قطب مثبت و منفی کار یا ترک کاری بهره‌برداری می‌نماید. [به عبارتی] اعمال نظاره و سلطه شخصیت بر دو قطب مثبت و منفی کار یا ترک شایسته یا هدف‌گیری خیر»¹⁸

همچنین استاد محمدتقی جعفری تفاوت آزادی و اختیار را در 3 چیز می‌داند.

اولاً؛ اختیار دو قید «شایسته و هدف‌گیری خیر» همراه است به خلاف آزادی محض.

ثانیاً؛ آزادی فی نفسه لذت‌بخش است در صورتی که اختیار چون به عنوان یک تکلیف در انجام دادن یا ترک یک کار در حال اختیار با توجه به آن دو هدف است ممکن است مشقت‌بار و ناگوار طبیعی باشد.

ثالثاً؛ عمل اختیاری شایسته و با هدف خیر انسان در منطقه ارزش‌های والا قرار می‌گیرد به خلاف عملی

که با آزادی محض صورت می‌گیرد.¹⁹

در اندیشه ایشان اختیار در مرحله بهتری قرار می‌گیرد و آزادی باید زمینه‌ساز رسیدن انسان‌ها به مرحله

بالای اختیار باشد.²⁰

گونه‌شناسی آزادی:

همان گونه که در مقدمه ذکر شد آزادی سطوح مختلفی دارد که می‌توان آنها را از هم متمایز کرد.

17 - محمدتقی جعفری، حکمت اصول سیاسی اسلام، تهران: بنیاد نهج البلاغه، ص 362.

18 - همان، ص 363.

19 - همان، 363-364.

20 - منصور میراحمدی، آزادی در فلسفه سیاسی اسلام، قم: انتشارات دفتر تبلیغات اسلامی، ص 70.

صاحب‌نظران متعددی در این رابطه به تمایز سطوح مختلفی از آزادی پرداخته‌اند و آنها را به انواع متفاوتی تقسیم‌بندی کرده‌اند. از جمله تقسیم‌بندی آزادی به آزادی مثبت و آزادی منفی توسط آیزیا برلین. وی معتقد است که آزادی دارای دو مفهوم "مثبت و منفی" است و بر این اساس میان این دو تمایز مفهومی ایجاد می‌کند. برلین اولین فردی نیست که این دو مفهوم را بیان کرده است ولی اولین متفکری است که این را تفاوت به شکل بارز و برجسته‌ای توضیح داده و تمایز مفهومی این دو قسم آزادی را بیان کرده است. از نظر برلین مفهوم آزادی منفی در پاسخ این سؤال اساسی مطرح می‌شود چیست و کجاست آن قلمرویی که در محدوده‌ی آن شخص یا گروهی از اشخاص، عملاً آزادی دارند (یا باید آزادی داشته باشند). تا بدون دخالت دیگران آنچه را بخواهند عمل کنند و آن چنان که می‌خواهند باشند؟ از این رو در توضیح آزادی منفی می‌گوید:

«معمولاً می‌توان گفت انسان تا آنجا آزاد است که دیگران دخالت در کار او نداشته باشند آزادی سیاسی در این صحنه به طور ساده عبارت است از قلمرویی که در داخل آن شخص می‌تواند کاری را که می‌خواهد انجام دهد و دیگران نتوانند مانع کار او شوند.»²¹

همچنین در جایی دیگر در باره آزادی منفی می‌نویسد:

«رهای (آزادی) سیاسی بدین معنا [منفی] به سادگی محدوده‌ای است که یک انسان بدون برخورد با مانعی از طرف دیگران می‌تواند در آن فعالیت کند.»²²

بنابراین آزادی منفی از نظر برلین به این معناست که فرد بتواند آنچه را می‌خواهد انجام دهد و از هر گونه تعرض و دخالتی مصون و محفوظ باشد. عبارت «رهای» از مختصرترین و گویاترین عبارتی است که مفهوم آزادی منفی را بیان می‌کند. بر این اساس پرسش اصلی در باره آزادی منفی این نیست که چه کسی یا کسانی بر فرد حکومت کرده و در امور فرد دخالت می‌کنند بلکه پرسش در این جا مطرح می‌شود که قوانین و محدودیت‌هایی که دامنه فعالیت فرد را محدود و مضیق می‌سازد کدامند؛ دغدغه آزادی منفی محدودیت‌هایی است که در برابر فرد ایجاد می‌شود.²³

مفهوم آزادی مثبت از نظر برلین در پاسخ به این سؤال اساسی طرح می‌شود: منشأ کنترل یا نظارت که

21 - آیزیا برلین، چهار مقاله در باره آزادی، ترجمه محمدعلی موحد، تهران: خوارزمی، ص 236.

22 - آیزیا برلین، مروری بر مفاهیم آزادی، ترجمه محمدعلی موحد، تهران: خوارزمی، ص 4.

23 - منصور میراحمدی، آزادی در فلسفه سیاسی اسلام، پیشین، ص 22.

می تواند کسی را وادار سازد که به فلان طرز خاص عمل کند یا فلان طور معین باشد چیست؟ و کجاست؟ و بر این اساس در باره مفهوم آزادی مثبت این گونه توضیح می دهد.

«معنای مثبت آزادی از تمایل فرد به این که آقا و صاحب اختیار باشد برمی خیزد آرزوی من آن است که زندگی ای که می کنم و تصمیماتی که می گیرم در اختیار خودم باشد و به هیچ نیروی خارجی وابسته نباشد. می خواهم خود هدف و روش خویش را انتخاب کنم و آن را به تحقق برسانم.»²⁴

بنابراین منظور از آزادی مثبت این است که خود بتواند با پرورش استعداد های خود استفاده های لازم را از محیط بیرونی خود و شرایط موجود در آن محیط ببرد. آزادی مثبت به مفهوم ارباب خود بودن به گونه ای است که فرد بتواند اراده ای خود را به انجام برساند از این رو دغدغه اصلی آزادی مثبت مداخله و عدم مداخله در فعالیت فرد نیست بلکه خودگردانی و ارباب خود بودن، در کانون توجه این مفهوم از آزادی قرار دارد. بر اساس تعریف برلین از آزادی مثبت و منفی مصادیقی از قبیل آزادی مذهب، آزادی مالکیت، آزادی عقیده، آزادی تشکیک احزاب و اجتماعات و آزادی مطبوعات از موارد آزادی منفی بوده و آزادی اختیار و اراده و آزادی بیان از مهم ترین مصایق آزادی مثبت اند.

در تقسیم بندی دیگر: فیلسوف بزرگ محمد تقی جعفری آزادی را بر 2 سطح تقسیم کرده اند:

1. آزادی معقول 2. آزادی غیر معقول.

ایشان مفهومی عام از آزادی ارائه می کنند که عبارت است از "باز بودن راه فعل و ترک فعل برای یک انسان اعم از این که یکی از دو طرف یا هر دو طرف دارای ارزش یا ضد ارزش بوده است."²⁵ بنابراین تعریف آزادی دارای مفهوم عام و جهان شمول خواهد شد و معقول و غیرمعقول بودن این مفهوم در ذات این مفهوم نبوده بلکه مربوط به بهره برداری از آن است:

«آنچه که آزادی را موصوف به معقول یا نامعقول می سازد مربوط به بهره برداری از آزادی است که اگر مطابق اصول و قوانین مفید انسانی باشد، آزادی معقول نامیده می شود و اگر بر ضد اصول و قوانین مفید انسانی باشد نامعقول نامیده می شود... [آزادی نامعقول] آزادی

24 - آیزیا برلین، چهار مقاله در باره آزادی، پیشین، ص 249.

25 - محمد تقی جعفری، حکمت اصول سیاسی اسلام، پیشین، ص 364.

به فعلیت رساننده‌ی هوا و هوس خود طبیعی محض [است].²⁶

محمدتقی جعفری پس از ذکر و بیان مفهوم آزادی و تقسیم آزادی به معقول و نامعقول به بیان اقسام و مصادیق آزادی پرداخته است. آزادی عقیده، آزادی اندیشه، آزادی بیان و تبلیغ، آزادی رفتار و آزادی سیاسی مهم‌ترین اقسامی هستند که وی بیان کرده است. این آزادی‌ها اگر به ضرر مادی و معنوی انسانی مورد بهره‌برداری قرار گیرد آزادی نامعقول و اگر موافق اصول و قوانین مفید انسانی مورد استفاده قرار گیرد معقول و پذیرفتنی است.²⁷

در یک تقسیم‌بندی دیگر از آزادی آن را به انواع اجتماعی، معنوی و سیاسی دسته‌بندی کرده‌اند. این نوع تقسیم‌بندی از آزادی در آراء و نظریات سیاسی شهید مطهری بسیار مشهود است.

1. آزادی اجتماعی:

استاد مطهری در تعریف آزادی اجتماعی می‌گوید:

«بشر باید در اجتماع از ناحیه‌ی سایر افراد اجتماع آزادی داشته باشد دیگران مانعی در راه رشد و تکامل او نباشند او را محبوس نکنند... که جلو فعالیتش گرفته شود، دیگران او را استثمار نکنند، استخدام نکنند، استعباد نکنند یعنی تمام قوای فکری و جسمی او را در جهت منافع خودشان به کار نگیرند.»²⁸

مطهری فقدان آزادی اجتماعی را یکی از گرفتاری‌های بشر در طول تاریخ ذکر می‌کند و می‌گوید:

«یکی از مقاصد انبیاء به طور کلی و به طور قطع این است که آزادی اجتماعی را تأمین کنند و با انواع بندگی و بردگی‌های اجتماعی و سلب آزادی‌هایی که در اجتماع هست مبارزه کنند.»²⁹

2. آزادی معنوی:

در نگاه مطهری آزادی اجتماعی مقدس است همچنان که دنیای امروز آن را مقدس می‌شمارد. اما آنچه بیش از آزادی اجتماعی ارزش دارد آزادی معنوی است. مطهری در این باره معتقد است که:

26 - همان، ص 384.

27 - منصور میراحمدی، آزادی در فلسفه سیاسی اسلام، پیشین، ص 73.

28 - مرتضی مطهری، گفتارهای معنوی، چاپ پنجم، تهران: صدرا، ص 14.

29 - همان، ص 18.

کلیه حقوق مادی و معنوی این اثر متعلق به دانشگاه باقر العلوم علیه السلام می باشد

«پیغمبران آمده‌اند تا علاوه بر آزادی اجتماعی به بشر آزادی معنوی بدهند و آزادی معنوی است که بیشتر از هر چیز دیگری ارزش دارد تنها آزادی اجتماعی مقدس نیست بلکه آزادی معنوی هم مقدس است و آزادی اجتماعی بدون آزادی معنوی میسر و عملی نیست. این است درد امروز جامعه بشری که بشر امروز می‌خواهد آزادی اجتماعی را تأمین کند ولی به دنبال آزادی معنوی نمی‌رود یعنی نمی‌تواند قدرتش را حفظ کند چون آزادی معنوی را جز از طریق نبوت انبیاء دین، ایمان و کتاب‌های آسمانی نمی‌توان تأمین کرد. ممکن است انسانی باشد که همان طور که از نظر اجتماعی آزادمرد است، زیر بار ذلت نمی‌رود، زیر بار بردگی نمی‌رود و آزادی خودش را در اجتماع حفظ می‌کند از نظر اخلاق و معنویت هم آزادی خود را حفظ کرده باشد یعنی وجدان و عقل خودش را آزاد نگه داشته باشد این آزادی همان است که در زبان دین «تزکیه نفس» و «تقوا» گفته می‌شود.»³⁰

آزادی اجتماعی آزادی انسان است از قید و اسارت افراد دیگر ولی آزادی معنوی... آزادی انسان است از اسارت خودش.³¹

3. آزادی سیاسی:

برای تعریف و توضیح آزادی سیاسی در اندیشه شهید مطهری بهتر آن است که ساز و کارهای آزادی سیاسی را از دیدگاه ایشان مورد بررسی قرار دهیم تا مطلب روشن‌تر بیان شود.

ساز و کارهای آزادی سیاسی در اندیشه شهید مطهری:³²

الف: آزادی در انتخاب و رأی:

مهم‌ترین و اساسی‌ترین بحث آزادی سیاسی حق تعیین سرنوشت سیاسی و انتخاب و رأی است. آنچه از استقراء و فحص آرای ایشان برداشت می‌شود مسلم انگاشتن مشروعیت الهی ولایت فقیه به نحو «انتصاب کلی» است. همچنین در آثار استاد مطالبی مشاهده می‌شود که نقش مردم در پذیرش حاکم اسلامی اشاره دارد. اسلام برای امامت و رهبری جامعه اسلامی شرایط و صفاتی را تعیین می‌کند که با دارا بودن آن شرایط خاص،

30 همان، ص 20-21.

31 - مرتضی مطهری، گفتارهای معنوی، پیشین، ص 32.

32 - شریف، لکزایی، آزادی سیاسی در اندیشه مطهری و بهشتی، قم: بوستان کتاب و انتشارات دفتر تبلیغات اسلامی قم، ص 75.

شخصی صلاحیت رهبری و حاکمیت پیدا می‌کند، واضح است که به صرف وجدان، صلاحیت، رهبری و حاکمیت فعلی تحقق نمی‌یابد مگر این که مورد پذیرش مردم قرار گیرد. در برخی موارد دیگر استاد مصدر حق شرعی ولی فقیه را مردم متدین می‌داند و با اشاره به حکم امام خمینی به نخست وزیر موقت آن را چنین تحلیل می‌کند:

«حق شرعی امام از وابستگی قاطع مردم به اسلام، به عنوان یک مکتب و ایدئولوژی ناشی می‌شود و مردم تأیید می‌کنند که او مقام صلاحیت دارا است که می‌تواند قابلیت اشخاص را از جهت انجام وظایف اسلامی تشخیص دهد. در حقیقت حق شرعی و ولایت شرعی، یعنی مُهر ایدئولوژی مردم و حق عرفی، همان حق حاکمیت ملی مردم است که، آنها باید فرد مورد تأیید رهبر را انتخاب کنند.»³³

استاد شهید در جایی دیگر به حق انتخاب مردم و عزل حاکم و موقتی بودن آن اشاره می‌کند و این خود قرینه دیگری است بر این که مردم در تعیین سرنوشت خود صاحب نقش و اثر هستند. ایشان در باره‌ی واژه جمهوری اسلامی می‌گوید:

«مسأله جمهوری مربوط است به شکل حکومت که مستلزم نوعی دموکراسی است یعنی این که مردم حق دارند سرنوشت خودشان را خود در دست بگیرند.»³⁴

ب: آزادی در اظهار نظر و نظارت:

در حکومت اسلامی رابطه حکومت با مردم یکسویه نیست از این رو، در صورت بروز نارسایی و وجود نابسامانی در اجتماع، می‌بایست به انتقاد از وضع موجود پردازد و آزادانه به ابراز نظر مبادرت ورزد مطهری بر این باور است افرادی که با تأمل و تفکر آزاد در مسأله‌ای به آنان معتقد شده‌اند می‌توانند حاصل اندیشه‌ی اصیل خود را بیان کنند، به نظر ایشان:

«در رژیم جمهوری اسلامی هیچ محدودیتی برای افکار وجود ندارد و از به اصطلاح کانالیزه کردن اندیشه‌ها، خبر و اثر نخواهد بود، همه باید آزاد باشند که حاصل اندیشه‌ها و تفکرات اصلی‌شان را عرضه کنند.»³⁵

33 - مرتضی مطهری، پیرامون جمهوری اسلامی، چاپ هفتم، تهران: صدرا، ص 150.

34 - همان، ص 81.

35 - مرتضی مطهری، پیرامون جمهوری اسلامی، پیشین، ص 11.

در اندیشه مطهری انقلاب در صورتی راه صحیح پیروزی را ادامه خواهد داد که افراد از آزادی فکر و بیان و قلم برخوردار باشند. او در باره‌ی انتقاد نیز نظری صریح دارد و بر این باور است که حتی مراجع نیز فوق چون و چرا نیستند:

«در نوشته‌های خود هم تصریح کرده‌ام که مراجع فوق انتقاد به مفهوم صحیح این کلمه نیستند و معتقد بوده و هستم که هر مقام غیر معصومی که در وضع غیر قابل انتقاد قرار گیرد هم برای خودش خطر است، هم برای اسلام.»³⁶

به هر روی مطهری نه تنها به آزادی بیان معتقد است بلکه آن را یگانه راه نجات اسلام در طول تاریخ و نظام جمهوری اسلامی در آینده ذکر می‌کند بیان اندیشه‌های مختلف معنای نفاق و دو رویی حاکم بر جامعه را از بین برده و باعث شفافیت هر چه بیشتر اندیشه‌ها می‌گردد. بدین صورت است که آزادی بیان باعث قوت و رونق علم و حکمت در سطح جامعه می‌گردد و فضای نفاق، دو رویی و چاپلوسی از جامعه رخت برمی‌بندد.

ج: آزادی فعالیت‌های سیاسی:

مطهری در مباحث خود در باره‌ی احزاب و تشکل‌های سیاسی بیشتر به بیان مرز آزادی آن‌ها در حکومت اسلامی پرداخته است. اما دیدگاه کلی وی در این باره مبتنی بر آزادی احزاب است منتها احزابی که بدون توطئه و فریبکاری به فعالیت اشتغال داشته باشند: «در حکومت اسلامی احزاب آزادند هر حزبی اگر عقیده‌ی غیر اسلامی هم دارد آزاد است اما ما اجازه‌ی توطئه‌گری و فریبکاری نمی‌دهیم.»³⁷

در اندیشه مطهری اسلام و حکومت اسلامی آن قدر از قوت استدلال و منطق برخوردار است که به دیگران آزادی بدهد تا صریحاً بتوانند به نشر افکار خود و نقد حکومت اسلامی و کارگزاران آن پردازند و اساساً هر نظام سیاسی دینی که به خود ایمان و اعتقاد داشته باشد باید طرفدار آزادی باشد.

«هر مکتبی که ایدئولوژی خود ایمان و اعتقاد داشته باشد ناچار باید طرفدار آزادی اندیشه و آزادی تفکر باشد به عکس هر مکتبی که ایمان و اعتقاد به خود نداشته باشد جلوی آزادی اندیشه و آزادی تفکر را می‌گیرد.»³⁸

از محتوای کلام مطهری می‌توان برداشت کرد که وی اعتقادی به تک‌بعدی و تک‌صدایی مردم ندارد و از

36 - مرتضی مطهری، پاسخ‌های استاد به نقدهایی بر مسأله حجاب، تهران: صدرا، ص 72.

37 - مرتضی مطهری، پیرامون انقلاب اسلام، پیشین، ص 17.

38 - همان، ص 11.

کلیه حقوق مادی و معنوی این اثر متعلق به دانشگاه باقر العلوم علیه السلام می باشد

جامعه چندصدایی و چندبعدی دفاع می‌کند جامعه‌ای که در آن گروه‌ها و افراد با سلیقه و عقاید گوناگونی وجود دارند و صادقانه و منطقی با هم برخورد می‌کنند. از همین روست که مطهری می‌گوید:

«من اعلام می‌کنم که در رژیم جمهوری هیچ محدودیتی برای افکار وجود ندارد... همه باید آزاد باشند که حاصل اندیشه‌ها و تفکرات اصلیشان را عرضه کنند البته تذکر می‌دهم که این امر سوای توطئه و ریاکاری است. توطئه ممنوع است اما عرضه‌ی اندیشه‌های اصیل، آزاد.»³⁹

بنابراین در بحث آزادی باید از صورت به عمق رسید. به تدریج به این معنا معتقد شد که باید به آزادی‌های افراد و گروه‌ها و جریان‌های سیاسی احترام گذاشته شود به هر روی در اندیشه مطهری احزاب و تشکل‌ها در حکومت اسلامی آزادند و آزادی آنان تا آنجاست که صریحاً به ابراز نظر پردازند اما مشروع، توطئه از سوی آنان پایان آزادی فعالیت آنهاست.⁴⁰

- مفهوم آزادی سیاسی

آزادی سیاسی به معنای آزادی افراد در امر انتخاب و قانون‌گذاری است و قانون‌گذاری باید تابع اراده‌ی افراد جامعه باشد در نتیجه ملاک مشروعیت قانون، دولت و حکومت، آراء اکثریت خواهد بود.⁴¹

آزادی یک مقوله فلسفی سیاسی است از نظر فلسفی آزادی به معنای اختیار در برابر جبر است از لحاظ سیاسی به مفهوم امکانات فرد از لحاظ حقوقی، مدنی، اجتماعی و سیاسی در برابر قدرت دولت و جامعه می‌باشد. در واقع آزادی سیاسی در مقوله آزادی فرد و قدرت دولت و جامعه قرار می‌گیرد.⁴²

در تعریف دیگر آزادی سیاسی مجموعه امتیازاتی است که اهالی کشور برای مشارکت در حیات سیاسی جامعه بدان نیاز دارند این امتیازات به صورتی حقوق مدنی (حق رأی، حق داوطلبی و حق عضویت در احزاب سیاسی) و حقوق سیاسی (آزادی در رقابت اندیشه‌ها، آزادی انتخاباتی و آزادی تعیین زمامداران) متظاهر می‌شوند.⁴³

39 - همان.

40 - شریف لک‌زایی، آزادی در اندیشه شهید مطهری و بهشتی، پیشین، ص 90.

41 - محمدجواد نوروزی، نظام سیاسی اسلام، چاپ دوم، قم: موسسه آموزشی امام خمینی، ص 57.

42 - غلام‌رضا علی‌بابایی، فرهنگ علوم سیاسی، ج 1، چ 2، تهران: ویس، ص 180.

43 - منصور میراحمدی، درآمدی بر آزادی سیاسی از دیدگاه امام خمینی، فصلنامه علوم سیاسی، شماره 5، سال 2، تابستان 1378، ص

کلیه حقوق مادی و معنوی این اثر متعلق به دانشگاه باقر العلوم علیه السلام می باشد

همچنین کارل کوهن در کتاب دموکراسی در تعریف آزادی سیاسی چنین آورده است:

«آزادی سیاسی به طور ساده عبارت است از آزادی انجام دادن انواع کارهای مختلف است که حکومت مردمی اقتضا می کند، این کارها اصولاً شامل آزادی استفاده از ابزارهایی است که از طرق آنها شهروند بتواند صدای خود را به گوش دیگران برساند و در حکومت تأثیر عملی داشته باشند.»⁴⁴

در تعریف دیگر آزادی سیاسی یعنی این که فرد بتواند در زندگی سیاسی و اجتماعی کشور خود از راه انتخاب زمامداران و مقامات سیاسی شرکت جوید و به تصدی مشاغل عمومی و سیاسی و اجتماعی کشور نایل آید و یا در مجامع، آزادانه عقاید و افکار خود را به نحو مقتضی ابراز نماید.⁴⁵

عناصر و مؤلفه‌های آزادی سیاسی⁴⁶

در مباحث قبلی به این نتیجه‌گیری کلی دست یافتیم که آزادی دارای یک مفهوم عام بوده و برداشت‌های متعدد از آن ارائه شده است، برداشت‌های متعدد از آزادی بیان‌گر تعدد مفهوم آزادی نبوده بلکه حکایت از تفاوت برداشت‌ها از مؤلفه‌های آن دارد.

بر اساس الگوی نظری مک کالوم در تبیین مفهوم آزادی، سه مؤلفه برای آزادی بیان می‌کند که عبارتند از: فاعل (عامل) مانع (رادع) و هدف (غایت)

بر این اساس برداشت‌های متفاوت از آزادی در واقع نتیجه تفاوت و تعدد برداشت‌ها از سه متغیر فاعل، مانع و هدف در این مدل است.

بنابراین مؤلفه‌ها و عناصر مفهوم آزادی سیاسی عبارتند از:

الف) فاعل: اولین عنصر و مؤلفه اساسی آزادی سیاسی فاعل یا عاملی است که در عرصه سیاست در اجتماع زندگی می‌کند تا این عنصر وجود نداشته باشد نمی‌توان آزادی سیاسی را تصور کرد. این عنصر می‌تواند در زندگی سیاسی به دو دسته تقسیم شود.

1. اشخاص یا شخص

22

44 - کارل کوهن، دموکراسی، ترجمه فریبرز مجیدی، تهران: خوارزمی، ص 84.

45 - منوچهر، طباطبایی مؤتمنی، آزادی‌های عمومی و حقوق بشر، تهران: دانشگاه تهران، ص 96.

46 - تلخیص از کتاب آزادی سیاسی در فلسفه سیاسی اسلام، منصور میراحمدی، پیشین، ص 91 تا 113.

2. موسسات و تشکل‌های سیاسی

(ب) مانع: عنصر دوم مفهوم آزادی سیاسی مانع و رادعی است که عنصر اول را ممکن است از انجام یک عمل سیاسی منع کند. به عبارت دیگر رکن دیگر مفهوم آزادی سیاسی در کنار رکن اول، آن تکمیل کننده‌ی رابطه‌ی فرد و دولت به عنوان مهم‌ترین مؤلفه آزادی سیاسی است. عنصر مانع را می‌توان به دو دسته تقسیم کرد:

1. موسسات و تشکل‌های سیاسی

2. دولت‌ها: از آنجا که دولت‌ها فرد غالب در عنصر دوم هستند بر دولت‌ها تأکید بیشتری به عنوان مانع می‌شود. البته ایجاد مانع توسط دولت‌ها با استفاده از ابزارهای مختلف و در نتیجه به گونه‌های مختلفی خواهد بود. دولت‌ها از ساز و کارهای خاصی برای ایجاد مانع یا محدودیت استفاده می‌کنند که در یک تقسیم‌بندی کلی می‌توان آنها را به 2 دسته تقسیم کرد.

— سازوکارهای مشروع: حکومت‌ها از سه شیوه رایج قانون‌گذاری، اجرای قانون و قضاوت برای اعمال حاکمیت خود بهره می‌گیرند و با تکیه بر آنها به کنترل آزادی سیاسی شهروندان و تشکل‌ها می‌پردازند. بنابراین هر چند که در ظاهر انی مکانیزم‌ها مانع و رادع محسوب می‌شوند اما از آنجا که حکومت‌ها قانون‌گذار مجری قانون و داور هستند، می‌توان مانع و رادع را در واقع خود دولت‌ها دانست.

— سازوکارهای نامشروع: گاهی اوقات حکومت‌ها علاوه بر به کارگیری مکانیزم‌های مشروع از نوع نامشروع آن نیز در اعمال حاکمیت بهره می‌گیرند. مشهورترین مکانیزم نامشروع به کارگیری زور و خشونت در جامعه است. حکومت‌ها با استفاده از نیروی زور و خشونت به عنوان مانعی اساسی در برابر شهروندان و تشکل‌های سیاسی قرار می‌گیرند و آزادی سیاسی آنها را محدود می‌کنند.

(ج) هدف:

عنصر سوم مفهوم آزادی سیاسی هدف و غایتی است که فاعل در صدد انجام دادن آن و یا برخورداری از آن است.

و یکی از مصادیق عنصر سوم مفهوم آزادی سیاسی را می‌توان «رفتارهای اجتماعی و سیاسی» دانست. اشخاص یا تشکل‌ها در صورتی که برای انجام دادن رفتارها سیاسی خود از دخالت و محدودیت‌های دولت رها باشند دارای آزادی سیاسی خواهند بود.

با توجه به آنچه که به اختصار گذشت الگوی مفهوم آزادی سیاسی بر اساس الگوی مفهوم آزادی پیش گفته عبارت است از:

شخص یا تشکل‌ها آزادند (یا آزاد نیستند) از دخالت و ممانعت دولت‌ها (با به کارگیری قوانین و ابزارهای خشونت) برای انجام دادن (یا انجام ندادن) رفتارهای سیاسی خود یا برخورداری (یا عدم برخورداری) از حقوق اساسی خود.

از این رو با توجه به این الگو می‌توان آزادی سیاسی را این گونه تعریف کرد:

«فقدان دخالت و ممانعت دولت‌ها (به طور غالب) در برابر اشخاص یا تشکل‌های سیاسی در جامعه به منظور انجام رفتارهای سیاسی خاص خود و یا برخورداری از حقوق اساسی. همان طور که روشن است این تعریف از آزادی سیاسی بر اساس تحلیل مفهومی عناصر و مؤلفه‌های آزادی سیاسی نبوده و تنها به ذکر مصادیق آن اکتفا نکرده است.»

با توجه به این تعریف و عناصر آن می‌توان مهم‌ترین مصادیق آزادی سیاسی را نیز بیان کرد این اقسام قبل از هر چیزی بر اساس نوع خاصی از رفتار سیاسی و حق اساسی است که به عنوان هدف و غایت توسط اشخاص و تشکل‌ها شکل گرفته و خواهان برخورداری از آن هستند بدین سان معیار اصلی در تقسیم آزادی سیاسی به گونه‌ها و اشکال مختلف نوع رفتار سیاسی اشخاص و تشکل‌ها و حتی اساس مطلوب افراد و تشکل‌ها است.

تقسیم آزادی سیاسی بر اساس نوع رفتارهای سیاسی:

رفتارهای سیاسی در جامعه متفاوت است و بر اساس آن آزادی‌های سیاسی شکل گرفته نیز متفاوت خواهد بود. در اینجا برای روشن‌تر شدن مصادیق آزادی سیاسی و نحوه شکل‌گیری آنها اقسام رفتارهای سیاسی را ذکر کرده و نوع آزادی سیاسی شکل گرفته را بیان می‌کنیم:

1. انتخاب حاکم و زمامدار:

مهم‌ترین رفتار سیاسی است که مردم در یک جامعه انجام می‌دهند. بر این اساس آزادی و حق انتخاب به عنوان یکی از مهم‌ترین مصادیق آزادی سیاسی شکل می‌گیرد.

2. تعیین سرنوشت و مشارکت در فرایند تصمیم‌گیری:

مردم در جامعه به منظور تعیین سرنوشت خود به مشارکت در امر تصمیم‌گیری و سیاست‌گذاری می‌پردازند این رفتار سیاسی موجب شکل‌گیری نوع خاصی از آزادی سیاسی می‌شود که از آن به "آزادی رأی" نیز تعبیر می‌شود.

3. تأثیرگذاری بر تصمیمات و عملکردهای دولت و دولتمردان

مردم از راهها و شیوه‌های گوناگون در سیاست‌ها و رفتارهای دولت اثر می‌گذارند که یکی از مهم‌ترین این راهها اظهار دیدگاه‌های خود در این باره است. بنابراین اظهار دیدگاه‌ها نیز یکی از رفتارهای سیاسی و مردم محسوب می‌شود که در نتیجه باعث شکل‌گیری نوعی دیگر از اقسام آزادی سیاسی است که از آن به آزادی بیان و قلم تعبیر می‌شود.

حق انتشار دیدگاه‌ها در کلام "آزادی بیان" و در نوشتار "آزادی قلم و مطبوعات" نام می‌گیرد.

4. رقابت سیاسی:

مردم در یک جامعه برای رسیدن به قدرت و نیل به مناصب سیاسی اجتماعی با هم‌نوعان خود به رقابت می‌پردازند. رقابت سیاسی به شیوه‌های گوناگون و از مجاری مختلف شکل می‌گیرد. یکی از مهم‌ترین مجاری این رقابت‌ها که تأثیر زیادی داشته و در رسیدن به اهداف موفقیت‌زایی دارد، تشکیل اجتماعات و انجمن‌هاست. زمانی که این تشکلهای به طور منسجم‌تر و قدرت‌مندتری شکل گیرد شاهد شکل‌گیری احزاب در جامعه خواهیم بود و در نتیجه رقابت سیاسی در درون احزاب نیز از انسجام و قدرت و توان بیشتری برخوردار خواهد بود. بدین سان نوع دیگری از آزادی سیاسی شکل می‌گیرد که از آن به آزادی احزاب، انجمن و تشکیل اجتماعات یاد می‌شود.

در یک تقسیم‌بندی دیگر آزادی سیاسی را بر اساس حقوق اساسی اشخاص و تشکلهای دسته‌بندی می‌کنیم.

تقسیم آزادی سیاسی بر اساس حقوق اساسی اشخاص و تشکلهای:

انسان‌ها دارای حقوق اساسی متعددی هستند که برخورداری از آنها هدف اساسی آنان در زندگی سیاسی خود است بر اساس نوع حق سیاسی آزادی سیاسی نیز به 2 دسته تقسیم می‌شود که

1- آزادی و حق انتخاب شدن:

یک فرد در جامعه از این حق اساسی برخوردار است که بتواند خود را در معرض انتخاب مردم گذاشته و انتخاب شود بر این اساس باید شرایط و وضعیت سیاسی اجتماعی به گونه‌ای باشد که فرد بتواند از این حق اساسی خود برخوردار گردد.

2- آزادی از تفتیش عقاید:

فرد ممکن است هیچ گونه رفتار خاص سیاسی انجام ندهد، اما از حقوق اساسی وی داشتن عقاید و باورهای خاص خود است و بنابراین باید شرایط برای اتخاذ عقاید و نظرگاه‌های خاصی وجود داشته و دولت در مورد وی تفتیش عقاید را اعمال نکند.⁴⁷

در نهایت با توجه به این که هدف در این پژوهش بررسی آزادی سیاسی در نظام سیاسی مهدوی است بد نیست تعریفی از آزادی سیاسی دینی آورده شود.

آزادی سیاسی دینی عبارت است از آزادی شهروندان جامعه دینی بر اساس پژوهش چارچوب‌های اجتماعی دینی در جهت ایجاد حکومت و انتخاب حاکمان برای اداره امور سیاسی دنیوی محدود شده با اصول دینی و همچنین حق دخالت و مشارکت فعالانه آنها در تصمیم‌سازی‌های حکومتی بر اساس عقلانیت ابزاری دینی.⁴⁸

پیشینه بحث آزادی در سنت اسلامی:

بررسی آزادی انسان در سنت اسلامی سابقه طولانی دارد و نمی‌توان آن را به زمان خاصی محدود نمود هر چند در شکل‌گیری دچار فراز و نشیب شده است. لیکن ریشه آن از آغاز تشکیل مباحث علمی در اسلام به وجود آمده است. و بر همین اساس در سخنان امیرالمومنین علیه السلام، اولین امام شیعیان، آزادی و حق انتخاب بشر به روشنی بیان و بر آن استدلال شده است.

آزادی از دیدگاه مبانی کلامی، فقهی در اسلام خصوصاً در مذهب شیعه بر پایه چندین اصل نهاده شده است. این اصول ریشه و مبنای دیگر مبانی هستند که اگر این اصول به اثبات برسند آزادی برای انسان‌ها نیز ثابت می‌شود. ما در این مبحث به توضیح این اصول می‌پردازیم که عبارتند از:

47 - منصور میراحمدی، آزادی سیاسی در فلسفه سیاسی اسلامی، پیشین، ص 105.

48 - محمود شفیعی، آزادی سیاسی در اندیشه‌های شیعه و معتزله، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، 1378، ص 27.

اصل اول: تخییر در انتخاب دین:

صریح آیه (لا إِكْرَاهَ فِي الدِّينِ) (بقره 156) هم‌زمان دو پیام دینی در باره‌ی انسان‌ها را روشن می‌سازد.

1. پذیرش دین اجباری نیست. انسان‌ها در پذیرش دین مجبور نیستند. بر این اساس هیچ آیه‌ای فرمان نمی‌دهد که برای گرایش به دین اعمال زور بشود این برداشت از آیه بسیار روشن است.
2. نگاه دین به انسان نگاهی اختیارگرایانه است. به عبارت دیگر دین معتقد است که مخاطبینش آزادند و حق‌گزینش دارند چرا که اکراه زمانی معقول است که شخص اکراه شده در صورت نبود فشار خارجی حق انتخاب داشته باشد و از اراده و گزینش برخوردار باشد. بنابراین کسی که به اراده خود دین را انتخاب می‌کند. در این مرحله بدون شک آزادی خود را از دست نداده است.⁴⁹

اصل دوم: اباحه:

یعنی مباح بودن هر کاری که حرام بودن آن ثابت نشده باشد. برخی از علماء اباحه را از راه عقل گرفته قائل به اباحه عقلیه شده‌اند و برخی نیز از راه شرع و در نتیجه هر دو دسته بر حکم اباحه اتفاق دارند.

آیت الله سید محمدباقر صدر اباحه را این گونه تعریف می‌کند:

«اباحه این است که شارع مکلف را در وسعت و گشادگی قرار دهد تا در آنچه که اراده می‌کند اختیار انجام داشته باشد و نتیجه‌اش این است که مکلف از حریت و آزادی برخوردار می‌گردد که می‌تواند کاری را انجام دهد و یا ترک کند.»⁵⁰

بسیاری از علما درباره فلسفه و علت حکم اباحه به این نکته اشاره کرده‌اند که منشأ اباحه دو چیز است: گاهی اوقات به علت فقدان ملاک الزامی در یک عمل است و گاهی اوقات به علت وجود ملاک آزادی و مختار بودن انسان است. بنابراین اصل اباحه در راستای اثبات آزادی برای فرد است.

علمای شیعه پس از شیخ صدوق اباحه عقلی و یا اباحه شرعی را پذیرفته و به آن اجماع و اتفاق پیدا کرده‌اند و شیخ مرتضی انصاری اتفاق علمای شیعه را چنین بیان داشته است: اجماع بر برائت را از دو راه می‌توان بیان کرد:

1. اجماع علما از مجتهدین و اخباریین بر این که حکم هر فعلی که دلیل عقلی و نقلی بر حرمت آن

49 - محمود شفیعی، آزادی سیاسی در اندیشه شیعه و معتزله، پیشین، ص 22.

50 - محمدباقر صدر، دروس فی علم اصول، بیروت: دائرة المعارف مطبوعات، 1410 ق، حلقه دوم، ص 165.

نداشته باشیم براءت و عدم عقاب بر فعل است.

2. اجتماع و اتفاق علما بر این که حکم هر فعلی که دلیل بر تحریم نداشته باشیم عدم وجوب احتیاط و جایز بودن انجام آن فعل است.

شیخ انصاری سپس می‌گوید نه تنها اهل ادیان بلکه تمامی عقلا نیز هر چند اهل دین نباشند بر این عقیده‌اند.⁵¹

دلیل عقلی بر براءت:

شیخ انصاری حکم عقل را چنین بیان می‌کند: چهارمین دلیل بر براءت حکم عقل است به تبع عقاب بر چیزی که تکلیف آن بیان نشده باشد و دلیل بر آن حکم عقلاست بر قبح موءاخذه مولی، عبد خود را به کاری که اعتراف دارد ممنوعیت آن را برای عبد بیان نکرده است.⁵²

بنابراین اصل براءت توان نظری و پایه‌ی نظری مناسبی برای به رسمیت شناختن آزادی در اسلام است این اصل که پایه بسیاری از احکام شرعی است عبارت است از:

«اگر وجوب یا حرمت یک چیز مشکوک باشد و هیچ دلیلی بر وجوب یا حرمت آن چیز اقامه نشود هم از لحاظ شرعی و هم از لحاظ عقلی می‌تواند آن چیز را ترک کند که شک در وجوب است. (در صورت اول) و یا انجام دهد که شکل در حرمت است. (در صورت دوم) و در این صورت از مجازاتی که بر مخالفت حکم شرعی مترتب می‌شود در امان است.»⁵³

به هر حال اصل براءت یکی از اصول اساسی است که می‌تواند پایه و مبنای بسیاری از آزادی‌های فردی قرار گیرد و حقوق فرد را تضمین کند.

اصل سوم: عدم سلطه‌ی انسان بر انسانی دیگر

به حکم عقل هیچ کس بر انسان ولایت و قیومت ندارد جز خدا و پیامبر و امام که ولایت آنها با دلیل ثابت شده است. بنابراین اصل کسی حق دخالت در کار انسان را ندارد و نمی‌تواند او را از کاری باز دارد و یا او

51 - محمدباقر صدر، آزادی از منظر شیعه، راه مردم، شماره 84/10/1.

52 - همان.

53 - همان.

را به کاری که نمی‌خواهد وادارد و یا برای او تصمیمی بگیرد و یا بدون رضایت و خواست او چیزی را در ملک او داخل و یا خارج نماید و انسان در انجام کارهای خود مستقل و آزاد است و سرنوشت او به دست خودش سپرده شده است و تمام افراد انسان بر سرنوشت خود حاکم هستند.⁵⁴

آیه 68 سوره‌ی قصص درباره صفت و ویژگی «اختیار» خدا و انحصار حق آفرینش و برگزیدن در وجود اقدس الهی می‌فرماید: ﴿وَرَبُّكَ يَخْلُقُ مَا يَشَاءُ وَيَخْتَارُ مَا كَانَ لَهُمُ الْخِيَرَةُ سُبْحَانَ اللَّهِ وَتَعَالَى عَمَّا يُشْرِكُونَ﴾؛ «و خدای تعالی هر چه خواهد بیافریند و برگزیند و دیگران را (در نظم عالم) هیچ اختیاری نیست و ذات پاک الهی منزّه و برتر از آن است که به او شرک آورند.»

علامه طباطبایی در تفسیر المیزان ذیل این آیه شریفه با اشاره به انواع اختیار و اثبات اختیار تکوینی و تشریحی برای انسان می‌نویسد:

«انسان در طبیعت خویش اختیاری تشریحی و اعتباری در انجام یا ترک آنچه که می‌خواهد در برابر و موازی با اختیار تکوینی‌اش می‌یابد. از این رو آنچه که بخواهد می‌تواند انجام دهد و یا ترک نماید. هیچ کس از هم‌نوعانش نمی‌تواند او را بر چیزی وادار و از چیزی بازدارد. زیرا آنها همانند او هستند و در انسانیت چیزی زاید و اضافه بر او ندارند و از وجود او چیزی را مالک نیستند و این همان معنای مقصود از آزاد بودن طبیعی انسان است.»⁵⁵

بنابراین از دیدگاه علامه طباطبایی از آن جا که انسانیت به یکسان در همه انسان‌ها وجود دارد و در نتیجه هیچ کس بر دیگری حق اعمال سلطه ندارد. به عبارت دیگر تساوی انسان‌ها در انسانیت تساوی آنها را در آزادی و اختیار فراهم می‌آورد. دقت در تعبیر علامه در باره‌ی حریت انسان نه تنها بیانگر وجود حریت و آزادی در انسان بلکه «بالتبع» بودن این آزادی است. آزادی همانند سایر خصایص طبیعی در انسان به ودیعه گذاشته شده است.

همچنین مرحوم کاشف الغطاء در باره این اصل می‌نویسد: از آنجا که حق تصرف و سلطه انسانی بر انسان دیگر موجب نقض حقوق و آزادی‌های او می‌شود این حق و این سلطه پذیرفته نمی‌شود و اصل بر عدم

54 - آخوند خراسانی، کفایه الاصول، تهران: اسلامیه، چاپ هفتم، ج 2، ص 167.

55 - علامه طباطبایی، تفسیر المیزان، تفسیر المیزان، ج 16، قم: انتشارات جامعه مدرسین، ص 68.

کلیه حقوق مادی و معنوی این اثر متعلق به دانشگاه باقرالعلوم علیه السلام می باشد

سلطه این فرد است که این امر گویای مفروض گرفتن آزادی اوست.⁵⁶

شیخ انصاری معتقد است مقتضای اصل و قاعده عقلی این است که هیچ کس بر دیگری ولایت ندارد و تنها ولایت برای پیامبر و امام است که با دلیل کتاب و سنت و اجماع و عقل ثابت شده است. علامه مامقانی می گوید:

«اصل اولی که عقل به آن استقلال دارد این است که هیچ کس بر جان و مال و آبروی

دیگری سلطه ندارد و پیروی و اطاعت کسی بر دیگری لازم نیست.»⁵⁷

سید عبدالاعلی سبزواری معتقد است:

«مقتضای اصل عملی و ادله اجتهادی مانند «لا یحل مال امرء الا عن طیب نفسه، الطلاق

بید من اخذ بالساق» و ادله دیگر مسببات که توقف بر اسباب مخصوصی دارند؛ این است

که هیچ کس بر دیگری بر جان و یا مال و یا آبروی او ولایت ندارد مگر با دلیل قطعی و

روشن و این اصل نه تنها مانند اصل عدم حجیت و اعتبار است که به ادله اربعه آن را به

اثبات رسانیده‌اند؛ بلکه شک در ولایت برای عدم اثبات آن نیز کافی است.»⁵⁸

امام خمینی (ره) می گوید:

« اصل اولی این است که حکم کسی بر دیگری در قضاوت و غیر آن نافذ نیست و مقصود

از نفوذ این است که تخلف از آن جایز نبوده و نقض آن حرام باشد هر چند مخالف با

واقع باشد و در این معنا پیامبر یا امام و یا دوستان خدا تفاوتی ندارد؛ زیرا بالا بودن

درجات کمال آنها سبب نمی شود که قضاوت و حکم آنها نافذ باشد لیکن عقل فطری

حکم می کند که حکم خدا که آفریننده‌ی انسان است در حق او نافذ است زیرا این حق

ذاتی است، نه اعتباری؛ پس هر حکمی که بخواهد نافذ شود باید به دستور خدا باشد و از

طرف او قرار داده شود.»⁵⁹

آیات و روایات و قواعد دلالت دارد بر این که پیامبر و امام پس از او جانشین خدا در زمین هستند که امر

حکومت و قضاوت را خداوند به آنها داده است.

56 - منصور میراحمدی، مفهوم آزادی در فقه سیاسی شیعه، پیشین، ص 8.

57 - همان، ص 10.

58 - همان، ص 12.

59 - آزادی از منظر شیعه، پیشین، شماره 84/10/1.

اصل چهارم: "امر بین الامرین":

انسان دارای اراده و اختیار است مسأله جبر و اختیار دیر زمانی است که اندیشه بشر را به خود مشغول ساخته و می توان گفت آغاز پیدایش این اندیشه با پیدایش بشر همراه بوده است. بدین معنا که از آغاز آفرینش انسان در اندیشه کارهای خود بوده است و انجام کارهایش از نتیجه فکر و توانایی خود او ناشی می شود و به جای دیگر وابسته نیست و یا این که در مقابل بگویم دست سرنوشت انجام کارهای او را رقم می زند و با یک برنامه ریزی دقیق از جایی دیگر به کار کشیده می شود و آنچه از ازل برای او تعیین شده همان می شود و کوشش او به همان راه هدایت می شود که سرنوشت اوست. این اندیشه در خداپرستان بیشتر مورد توجه قرار گرفت. زیرا اعتقاد به یک مبدأ توانا که آفرینش تمام جهان هستی از او و برگشت تمامی آن ها به سوی اوست این اندیشه را بارور کرد که جایی که یک دسته از مسلمانان نظر به قدرت نامتناهی خدا کردند جبری مذهب شدند و اعتقاد پیدا کردند که آنچه در جهان هستی پدید می آید همه از خداست و بشر که دارای شعور و ادراک است در کارهای خود اراده و اختیاری ندارد در برابر، دسته ای دیگر چون به نادرستی این گفتار و پیامدهای آن پی بردند قائل به تفویض شده این دسته نیز به حقیقت نرسیده و دچار اشکالاتی شدند که از جمله اثبات ناتوانی ذات مقدس باری تعالی و قطع سلسله ی فیض از مبدأ فیاض می باشد.

لیکن آنچه از سرچشمه های علم الهی و منابع وحی و ائمه طاهریین (علیهم السلام) به ما رسیده است عقیده ای مستقل از آن عقیده است. دو گوشه از آن دو عقیده را در یک عقیده جمع نموده و برزخی میان آنها قرار داده است به نام "الامر بین الامر" توانایی بشر در تمام لحظات زندگی از آن خداست و تمام نیروهایی که در انجام کار صرف می گردد از طرف حق تعالی اضافه می شود و این افاضه دائم در جریان است و اگر یک لحظه قطع شود هستی به نیستی می گراید و اوست که هر زمانی بخواهد می تواند جریان فیض را قطع کند و هستی تمام موجودات را بگیرد.

با تمام این ها انسان دارای اراده و اختیار است و کارهای خود را با فکر و اندیشه خویش انجام می دهد و در انجام کار خود آزاد است.

هر گروه پیامد نامعقول و غلط دسته دیگر را به عنوان ضعف پندار او به رخ او می کشید اشاعره به معتزله می گفتند عقیده به اراده انسان سبب تعطیل در کار خدا می شد و یا برای خدا شریک قرار دادن است. معتزله هم به اشاعره می گفتند عقیده به جبر باعث می شود که تمام گناهان و جنایاتی که از انسان ها سر می زند از خدا باشد و به او استناد داده شود روشن است که پیامد هر دو عقیده باطل است. لیکن شیعه با پذیرفتن عدالت در خدا و

حسن و قبح ذاتی افعال حق انتخاب و آزادی را از طرف خدا برای بشر پذیرفت و عقیده صحیح از میان آن دو عقیده را که از طرف امامان معصوم (علیهم السلام) طرح شده بود شعار خود قرار داد. آن عقیده به «لا جبر ولا تفویض بل امر بین الامرین» معروف است.⁶⁰

امام خمینی (ره) با اشاره به گفته قائلین به تفویض و جبریون نظریه امر بین الامرین را به عنوان نظریه صحیح و تضمین کننده آزادی انسان چنین توضیح می دهد:

«[الامر بین الامرین این است که] موجودات امکانی مؤثر هستند لکن نه به طور استقلال بلکه آنان را فاعلیت و علیت و تأثیر هست، لکن نه به گونه ای که مستقل و مستبد در فاعلیت و علیت و تأثیر باشند. در تمام جهان هستی و دار تحقق، فاعل مستقلی به جز خدای تعالی نیست و دیگر موجودات همان گونه که در اصل وجود مستقل نیستند بلکه ربط محض اند و وجودشان عین فقر و تعلق است و ربط و احتیاج صرف اند صفات و آثار و افعالشان نیز مستقل نیست. صفاتی دارند و دارای آثاری هستند و کارهایی انجام می دهند ولی در هیچ یک از اینها استقلال ندارند.»⁶¹

اصل پنجم: حسن و قبح عقلی:

بسیاری از صاحب نظران با تمسک به این قاعده مهم کلامی یعنی حسن و قبح عقلی در صدد اثبات آزادی انسان برآمده اند.

آیت الله مکارم شیرازی با استناد به همین اصل آزادی انسان را اثبات فرموده اند:

«و باز به همین دلیل (قاعده حسن و قبح عقلی) معتقدیم که خدا انسان را آزاد آفریده است افعال انسان از روی اراده و اختیار او سرچشمه می گیرد. چرا که اگر غیر این باشد یعنی ما معتقد به اصل جبر در اعمال انسان ها بوده باشیم، مجازات بدکاران ظلم و بی عدالتی واضح و پاداش نیکوکاران کاری بیهوده و بی دلیل خواهد بود و چنین امری بر خداوند محال است.»⁶²

60 - آزادی از منظر اسلام، راه مردم، پیشین،

61 - امام خمینی، طلب و اراده، سید احمد فهری، تهران: انتشارات علمی - فرهنگی، ص 72-73.

62 - آیت الله مکارم شیرازی، اعتقاد ما، قم: نسل جوان، ص 93.

- مفهوم نظام سیاسی

تعریف و ویژگی‌ها:

نظام سیاسی عبارتست از: کیفیت تنظیم، سازمان‌دهی و اداره‌ی امور ارتباطی، فرهنگی و اقتصادی هر اجتماع انسانی برای دستیابی به رشد مطلوب.

تعریف مذکور از نظام سیاسی دارای ویژگی‌های زیر است.

الف: نظام سیاسی جنبه نرم‌افزاری و برنامه‌ای دارد و بیشتر به تئوری نزدیک است. البته یک تئوری جامع که به سازمان‌دهی امور مختلف جامعه توجه دارد. بنابراین کلی و غیرمتعین است.

ب: مقید به زمان و مکان نیست، یعنی مخصوص زمان خاصی نیست و ممکن است که در زمان‌های مختلف تحقق پیدا کند، همچنان که قابلیت پیاده شده در مناطق مختلف و اجتماعات گوناگون را نیز دارد بنابراین نظام سیاسی اسلام می‌تواند در اجتماعات مختلف اسلامی تحقق پیدا کند. البته نظام سیاسی متکی به این موضوع نیست که همه‌ی شرایط و امکانات تحقق عینی را داشته باشد؛ بلکه اولین و کمترین مرحله تحقق آن «وجود برنامه‌ای» یا تئوریک آن است. چنانچه در سال‌های نخستین ظهور اسلام در مکه هر چند حکومت و دولت اسلامی وجود نداشت ولی نظام سیاسی اسلام، شکل اولیه خود را پیدا کرده بود.

ج: نظام سیاسی که رویکرد آن برقراری نظم و سامان‌دهی سیاسی است موضوعاً متناسب با مفهوم عام سیاست است؛ بدین معنا که نه تنها امور سیاسی و ارتباطی به عنوان یکی از زیرمجموعه‌های امور اجتماعی محسوب می‌شود بلکه تنظیم و اداره‌ی امور جامعه را اعم از امور ارتباطی، اقتصادی و فرهنگی در بر می‌گیرد بلکه تنظیم و اداره‌ی امور جامعه را اعم از امور ارتباطی، اقتصادی و فرهنگی در بر می‌گیرد همچنین برقراری رابطه‌ی منطقی بین این سه عرصه ماهیت مدیریتی کلان و سیاسی دارد که در قالب نظام سیاسی مطرح می‌شود.

د: توجه به امر مهم رشد به عنوان هدف تغییرات اجتماعی در تعریف مذکور، ویژگی دیگر آن است البته باید توجه داشت که رشد، کمال، و سعادت در دیدگاه اعتقادی و مکتبی هر نظام سیاسی خاص چگونه تعریف می‌شود گاه رشد و تعالی به ارزش‌های الهی و خصال والای انسانی و گاه در نگاهی دیگر تنها به تلذذ و بهره‌وری فزونتر از دنیا و امکانات مادی تعریف می‌شود. بنابراین در دیدگاه‌های مختلف رشد و تعالی می‌تواند با مفاهیم و معانی گوناگونی مطلوبیت پیدا نموده و هدف نظام سیاسی قرار می‌گیرد.⁶³

63 - علی اصغر، نصرتی، نظام سیاسی اسلام، قم: نشر هاجر، ص 40 و 41.

البته تعاریف گوناگون، متعدد و متفاوت دیگری از نظام سیاسی توسط اندیشمندان بیان شده است که به برخی از آنها اشاره می‌کنیم.

اغلب اندیشمندان مفهوم نظام سیاسی را با اصطلاح «رژیم سیاسی» که معادل غربی آن است به کار برده و می‌گویند:

«نظام سیاسی شکل و ساخت قدرت دولتی و همه‌ی نهادهای عمومی، اعم از سیاسی، اداری، اقتصادی، نظامی، مذهبی و چگونگی کارکرد این نهادها و قوانین و مقررات حاکم بر آنهاست.»⁶⁴

به نظر مارکس، نظام سیاسی از دو عنصر تشکیل یافته است، یکی رهبران سیاسی و مقامات منصوب به آنان و دیگری، تشکیلات و سازمان دولت.⁶⁵

به عقیده ماکس وبر، نظام سیاسی عبارت است از، کشور و رئیس کشور، دستگاه دولتی مرکز این نهادها بخش انحصار قانونی استفاده از نیروی نظامی در کشور می‌باشد؛ بر این اساس چنین نهادی زمینه مناسبی را برای گروه‌هایی که در جستجوی قدرت می‌باشند فراهم می‌سازد.

پارسونز معتقد است که:

نظام سیاسی بخشی از نظام اجتماعی است که منحصراً کارکرد دست‌یابی به هدف را مورد توجه قرار می‌دهد. به عقیده او در یک جامعه تکامل یافته فرایندها یا پروسه‌های نظام سیاسی اهمیت جدی پیدا می‌کنند قدرت، نماینده‌ی مهمترین این فرایندهاست و همانند پول، یک وسیله عام، سمبولیک و در حال گردش است که به جوامع پیشرفته امکان می‌دهد تا کارکردهای خود را به شکل بسیار موثرتر از جوامع اولیه انجام دهند به معنای دیگر قدرت قابلیت یک جامعه برای تحرک بخشیدن به منابع در جهت اهداف است، اهدافی که تحت تأثیر علائق عمومی انتخاب می‌شوند؛ همچنین قدرت، ظرفیت تصمیم‌گیری و اتخاذ تصمیماتی است که الزام آورند.⁶⁶

همان طور که می‌توان در تعاریف فوق ملاحظه کرد، گاهی مواقع نظام سیاسی به معنای کشور زمانی به

64 - عبدالعمید ابوالحمد، مبانی سیاست، تهران: توس، ج 6، 1370، ص 41.

65 - احمد، پیشه‌ور، جامعه‌شناسی سیاسی، انتشارات دانشگاه آزاد اسلامی واحد اهواز، ص 41.

66 - همان.

مفهوم دولت و حتی به معنای حکومت؛ یعنی دستگاه اجرایی که انحصاراً حق و توانایی استفاده از قدرت و اجبار را در اختیار دارد و همچنین به مفهوم قدرت و توانایی دستیابی به هدف، تعریف شده است و سرانجام آن را مترادف با رژیم سیاسی نیز به کار برده‌اند.

اصطلاحات مترادف با نظام سیاسی:

از آنجا که نظام سیاسی در ادبیات سیاسی رایج با الفاظ و مفاهیم متشابه معنا می‌شود چند اصطلاحی که معمولاً در گفته‌ها و نوشته‌ها به جای نظام سیاسی استعمال می‌شود مورد بررسی قرار می‌گیرد تا ضمن آن که تداخل بعضی از این اصطلاحات را در برخی دیگر مشاهده می‌کنیم، زمینه‌ای باشد تا سرانجام با روشنی بیشتر تمایز آنها را از یکدیگر و نظام سیاسی آشکار نماییم و در نهایت به طبقه‌بندی منطقی از این مفاهیم دست یابیم. این اصطلاحات عبارتند از: دولت، حکومت، کشور.

1- دولت:

دولت در یک معنا نظام سیاسی متعین و مشخص است. یعنی وقتی که یک نظام سیاسی در قالب سرزمین و کشور وجود خارجی پیدا کند و متناسب با فرهنگ و توانایی‌ها و اراده‌ی سیاسی اجتماع قوام و شکل یابد و آن گاه که جمعیتی انسانی در محدوده‌ی مرزی سیاسی مشخص و قراردادی به تعریف مشترکی از رشد و سعادت دست یابند دارای منافع و سرنوشت مشترک شده، دوستان و دشمنان مشترکی پیدا نمایند و برای حراست و حفاظت از منافع خود به هم‌دلی هم‌فکری و همکاری برسند تبدیل به ید واحد و قدرت متمرکزی می‌شوند و سازمانی واحد را برای اداره‌ی امور و سامان بخشیدن به مسایل مورد ابتلا تشکیل می‌دهند و حق حاکمیت انحصاری و مستقل بر سرنوشت خود را برای خویش محفوظ می‌دارند همچنان که برای دولت‌های دیگر نیز این حق را به رسمیت می‌شناسند و در نتیجه برای خود نیز در مداخله بر سرنوشت سیاسی سایر دولت‌ها محدودیت قایل می‌شوند.

بنابراین با توجه به تعریف عناصر و عوامل اصلی دولت عبارتند از: جمعیت، سرزمین، حکومت و حاکمیت.

در تعاریف سیاسی رایج تعاریف پراکنده و متفاوتی از دولت عرضه می‌شود که می‌توان به نمونه‌هایی از آن اشاره نمود:

”فرهنگ علوم اجتماعی“ که آلن بیرو، چهار معنا برای آن ذکر می‌کند.

1. صورتی از حکومت و نظام سیاسی، نظیر: دولت سلطنتی و جمهوری
2. حکومت و سازمان اداری یک ملت
3. مجموع شهروندانی که به عنوان هیأت سیاسی شناخته می‌شوند.
4. فراخوانی یک کشور که تابع حاکمیت سیاسی واحدی است.

آلن بیرو برای شفاف‌تر ساختن چهره مبهمی که از دولت به ذهن می‌آید اضافه می‌کند که دولت در واقع فقط آن جزء از هیأت سیاسی است که حراست از قانون حکومت در چارچوب قانون اساسی ارتقای پیشرفت و سعادت همگانی، تأمین نظم عمومی و اداره امور همگانی وظیفه خاص آن می‌باشد. دولت جزئی است دارای تخصص ویژه در تأمین منافع عموم که یک فرد یا یک گروه نیست؛ بلکه مجموعه‌ای از نهادهاست که در جهت پیدایی و شکل یک دستگاه تنظیم کننده که در رأس جامعه جای گرفته و قوام می‌پذیرد.⁶⁷

2- حکومت:

یک دولت زمانی می‌تواند به هدف‌های خود دست یابد که به درستی سازمان پیدا کند و الگوی مناسبی برای عمل نمودن برگزیند این سازمان و کارگزارانی که مسئولیت تحقق این الگوی رفتاری را بر دوش دارند و حمایت و اطاعت بدنه‌ی جامعه را از نهاد مزبور تأمین می‌نمایند حکومت نامیده می‌شود. وجود حکومت در هر جامعه‌ای که بخواهد دوام داشته باشد و به هدف‌های مشترکی که عامل پیوند اعضای آن اجتماع است، دسترسی پیدا نماید ضرورتی تردیدناپذیر است حتی پیروان مکتب آنارشیسم که خواهان فروپاشی دولت اجبارگرند نوعی از حکومت را می‌پذیرند اما می‌خواهند خود مردم بدون وجود اکراه و اجبار آن را سامان بخشند. هرچند کمونیست‌ها معتقدند که پس از برقراری جامعه کمونیستی در مقیاس جهانی دولت فرسایش پیدا خواهد کرد وجود نوعی اقتدار را در آن جامعه انکار نمی‌کنند.⁶⁸

بنابراین حکومت عبارت است از: مجموعه افراد، مذهب‌ها و ارگان‌هایی که دست‌اندرکار اداره‌ی کشور می‌باشند. در این تعریف منصب‌ها و ارگان‌ها شامل عوامل و نهادهای تصمیم‌گیرنده و مجری است. همچنین افراد و سازمان‌هایی که اگر چه خارج از مجموعه دستگاه اجرایی فعالیت می‌کنند ولی موضوع فعالیت آنها اداره‌ی امور کشور است.

67 - بیرو، آلن، فرهنگ علوم اجتماعی، ترجمه دکتر باقر ساروخانی، ص 404.

68 - ر.ک: بنیادهای علم سیاسی، عبدالرحمن عام، تهران: نی، ص 132.

در نگاه اندیشمندان سیاسی، حکومت در معانی دیگری نیز به کار برده می‌شود از جمله در کتاب "نظریه‌های دولت" معانی مختلف حکومت در سه سطح بیان شده است:

1. به فرد یا افرادی که در زمان معینی حکمرانی بر جامعه را بر عهده دارند، حکومت گفته می‌شود. در واقع این معنا کسانی را شامل می‌شود که به وضع و اعلان قانون در جامعه می‌پردازند.
2. حکومت به قوه‌ی مجریه در مقابل قوه مقننه اطلاق می‌شود که حکومت به معنای امروزی را تداعی می‌کند، در این معنا بر خلاف نوع اول، اشخاص موضوع اصلی نیستند بلکه منصب‌های اجرایی مسئول تأمین و ضمانت اجرای قوانین هستند.
3. حکومت شامل گروه سیاست‌گذارانی است که قوانین را تصویب و اجرا می‌کنند در این معنا مجموعه حکومت محدودتر شد. تنها بخش کوچکی را در درون نمایندگان یا اعضای کابینه را در درون حزب یا هسته اصلی کابینه و یا احتمالاً تنها نخست وزیر و یا رئیس جمهور را در بر گرفته است.⁶⁹

3. کشور:

کشور ظرف تحقق نظام سیاسی با ابعاد سرزمین، جمعیت و حاکمیت است. یعنی علاوه بر ظرف سرزمین که مرزهای جغرافیایی مشخص کننده‌ای حدود حاکمیت و استقلال است؛ مرز جمعیت یا به هر تعبیر دیگر چون ملیت یا امت و قومیت که تابعیت شاخص این مرز می‌باشد را شامل می‌شود. و این ابعاد وجوه تمیز و تشخیص کشورها از یکدیگرند. امروز در عرف سیاسی کشور به عنوان یک واحد فیزیکی اصلی‌ترین پایگاه سیاست است که در آن می‌توان سلسله مراتب قدرت را مشاهده کرد.

کشور نهادهای مختلفی را در بر می‌گیرد و اصولاً واحد سیاسی شناخته شده در جامعه جهانی است و با وجود کشور ترتیب اداره‌ی امور داخلی و خارجی یک واحد اجتماع سیاسی و نحوه‌ی برقراری روابط و نوع نظام سیاسی که حکومت را در اختیار دارد معنا و مفهوم پیدا می‌کند.

برای تحقق عینی مفهوم کشور عناصری لازم است که تنها در صورت اجتماع آن عناصر و عوامل کشور قابل شناسایی و تشخیص می‌شود این عوامل عبارتند از جمعیت، سرزمین و حکومت.⁷⁰

اولین عامل اصلی تشکیل یک کشور جمعیت دائمی است. زیرا هیچ مکانی را نمی‌توان بدون جمعیت

69 - آندرو، وینست؛ نظریه‌های دولت، ترجمه حسی بشریه، تهران: نشر نی، ص 55، 56.

70 - سید جلال الدین مدنی، مبانی و کلیات علوم سیاسی، تهران: چاپ اسلامیه، ص 289.

کشور نامید؛ البته نمی‌توان گفت همه‌ی افرادی که زمان خاصی در یک کشور زندگی می‌کنند جمعیت آن کشور محسوب می‌شوند بلکه تنها کسانی را می‌توان در شمار جمعیت یک کشور قرار داد که تبعه آن کشور باشند بنابراین کسانی که به عناوین مختلف مانند تحصیل، تجارت، صنعت، معالجه و... در یک کشور حضور دارند هرچند ممکن است سکونت طولانی یا دائم داشته باشند اما تا زمانی که تابعیت آن کشور را کسب نکنند بیگانه به حساب می‌آیند.

گاه به جمعیت کشور عنوان «ملت» نیز اطلاق می‌شود و آن در صورتی است که بین اکثریت و جمعی که کشور را به وجود آورده‌اند هماهنگی ایجاد شده خواست‌ها و آرزوهایشان در هم آمیزد و آداب و رسوم، سنن و زبان مشترک آنها را به هم پیوند داده و در سراسر آن سرزمین پخش شوند البته گاه یک ملت در محدوده‌ی سرزمینی یک کشور خلاصه نمی‌شود بلکه چند کشور می‌توانند ملت واحدی را تشکیل دهند مانند اعراب که ملت واحده‌ای هستند اما در کشورهای متعدد پراکنده‌اند. در اسلام عنصر پیوند دهنده‌ی ملت، دین است که مجموعه به دست آمده را امت می‌گویند.

دومین عامل قوام یک کشور وجود قلمرو یا سرزمین است و شامل بخشی از زمین، دریا و هوا می‌شود که در آن محدوده‌ی حاکمیت کشور اعمال می‌شود. هیچ کشوری را بدون سرزمین نمی‌توان تصور کرد چنانچه اگر همه جمعیت یک کشور به هر دلیل کشور خود را ترک کنند و به آوارگی تن داده در یک نقطه زندگی نمایند به علت فقدان عنصر سرزمین نمی‌توانند کشوری تشکیل دهند.

سومین عنصر پدید آورنده‌ی کشور، قدرت عالی یا حاکمیت است. قدرت عالی بالاترین قدرت ممکن در محدوده‌ی سرزمینی یک کشور محسوب می‌شود که توان خود را از هیچ مقام و اجتماع دیگری کسب نکرده و تحت نظارت، مراقبت و دستور هیچ قدرت دیگری قرار نگرفته است کشور برای اعمال حاکمیت از ابزار و وسایل مختلفی، نظیر: قدرت اقتصادی امکانات حقوقی، امور مالی نیروی نظامی و تجهیزات جنگی استفاده می‌کند.⁷¹

انواع نظام‌های سیاسی:

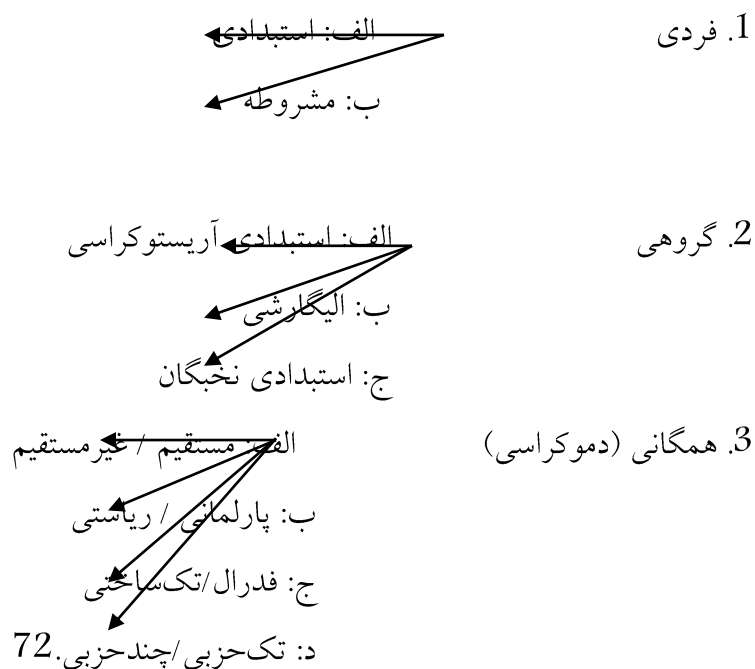
در یک تقسیم‌بندی کلی نظام‌های سیاسی به دو نوع تقسیم می‌شوند.

1. نظام سیاسی دینی که منشأ دینی دارند و حکومت مدعی انتساب به دین، ترویج آن و اجرای شریعت

است. 2. نظام‌های سیاسی غیر دینی که هیچ گونه ارتباط و وابستگی به دین ندارند و التزامی هم به قوانین دینی ندارند. که در اینجا به دلیل عدم ارتباط با بحث این پژوهش نظام‌های سیاسی غیر دینی را تنها به صورت دسته‌بندی کلی بیان می‌کنیم و سپس به بررسی مختصر نظام‌های سیاسی دینی می‌پردازیم.

1. نظام سیاسی غیر دینی:

نظام‌های سیاسی غیر دینی در یک تقسیم‌بندی کلی و بر اساس تعداد فرمانروایان به 3 دسته تقسیم می‌شوند. در قدم اول این دسته‌بندی را می‌توان با نموداری به صورت زیر ترسیم کرد:

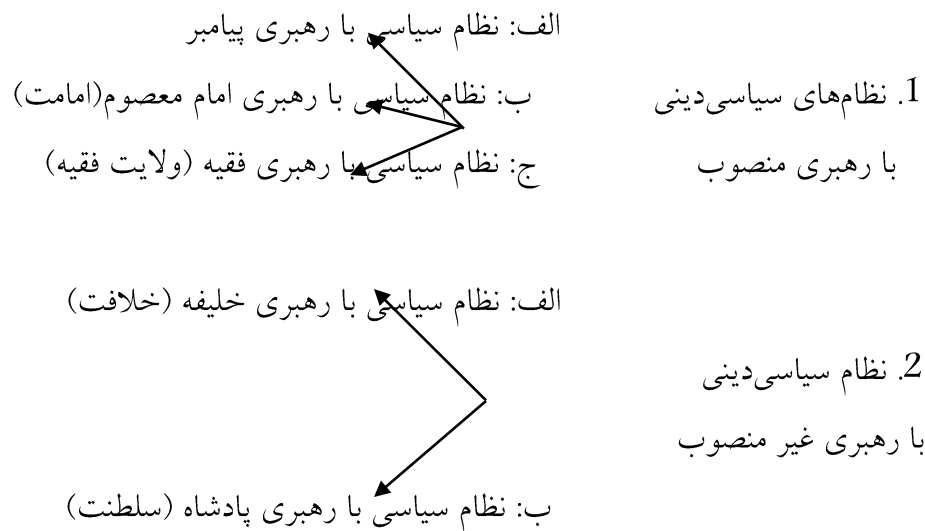


2. نظام‌های سیاسی دینی:

ملاک و معیار تشخیص دینی بودن یک نظام سیاسی دین‌مداری دستگاه حکومتی آن است. بر این اساس و با توجه به این که رهبری و زمامداری مهم‌ترین عنصر حکومت در نظام‌های دینی است اشکال کلی نظام دینی

72 - گولد، جولوس و کولب، ویلیام ل. فرهنگ علوم اجتماعی، تهران: مازیار، ص 56 و 390.

با توجه به تفاوت ملاک‌های رهبری معین می‌شوند از این رو در اولین قدم نظام‌هایی که رهبران آن با مأموریت الهی اقدام به تأسیس حکومت کرده‌اند نظام‌های منصوب و آن دسته از نظام‌ها که رهبران آنها به طریقی غیر از نصب این مقام را اشغال نموده‌اند "نظام‌های غیر منصوب" نام‌گذاری شده‌اند.



2- الف - 1: نظام سیاسی با رهبری پیامبر:

پیامبران مستقیماً از جانب خداوند به رسالت مبعوث گردیده‌اند و رسالت آنان آثار و پیامدهای مفید و فراوانی برای انسان‌ها در پی داشته است. از جمله دعوت به توحید، دعوت به معاد، تعلیم کتاب، ایجاد تزکیه و تقوا و برقراری مناسبات عادلانه را می‌توان مهم‌ترین اهداف و رسالت و آثار مترتب بر نبوت آنان دانست. از آیات قرآن کریم بر می‌آید که همه انبیاء به دنبال اصلاح امور مردم بوده‌اند و برخی موفق به تشکیل حکومت گردیده و برای برخی دیگر شرایط تأسیس حکومت فراهم نشده است. حضرت سلیمان، حضرت یوسف و حضرت داود از جمله پیامبرانی بودند که تشکیل حکومت دادند. پیامبر عظیم الشان اسلام (ص) نیز برای تحقق رسالت خود و اقامه قسط و عدل در جامعه از سلطه و اقتدار دینی و دنیوی بهره می‌جوید و در اولین فرصت مناسب یعنی پس از هجرت از مکه به مدینه حکومت اسلامی بر پا می‌کند حکومتی با کارکرد فراقبیل‌ای و با سلطه سیاسی منظم که توانست در داخل حیطه نفوذ

یعنی شبه جزیره عربستان امنیت ایجاد کند و دشمنان خارجی را نیز مهار کند.⁷³

2- الف - 2: نظام سیاسی با رهبری امام معصوم (نظام سیاسی امامت)

امامت در معنای خاص و مطابق اعتقاد شیعه به عنوان نظامی سیاسی مطرح است که رهبر آن یکی از ائمه دوازدهگانه و بر اساس نص الهی و تصریح رسول خدا به این سمت منصوب شوند. در این نظام امام به عنوان محور و عامل اصلی هدایت و سرپرستی جامعه به سوی سعادت و تکامل بشر محسوب می شود و باید دارای ویژگی های عصمت و عدالت، علم و کفایت باشد.⁷⁴

2- الف - 3: نظام سیاسی با رهبری فقیه (ولایت فقیه)

نظام ولایت فقیه در تئوری حکومت خود حاکمیت بر انسان ها را، تنها حق خداوند می داند که به پیامبر و امام معصوم بدون واسطه منتقل شده و در عصر غیبت تعیین رهبری توسط امام معصوم انجام می گیرد روایات فراوانی دلالت بر نصب فقها و حاملان علوم الهی دارند که باید آنها زمام رهبری و هدایت جامعه را بر عهده گیرند.

این نظام دارای ویژگی های است. اولین ویژگی جهت گیری آن است یعنی ولایتی است که به دلیل انتصابی بودن آن در تداوم ولایت ربوبی ولایت پیامبر و اهل بیت است. ویژگی دوم مشروعیت آن است یعنی ولایت آن ولایتی فردی است که از جانب خداوند اجازه دارد که در تمام شئون اجتماعی افراد دخالت کند و کلیه مسئولیت های ناشی از زمامداری و ولایت را بر عهده بگیرد.

سومین ویژگی مقبولیت اجتماعی است زیرا مردم در عینیت بخشیدن ولایت و جاری شدن قدرت وی نقش اصلی ایفا می کنند. ولی فقیه نیز باید از ویژگی های فقاقت، عدالت، تقوی و کفایت برخوردار باشد.⁷⁵

2. ب - نظام های سیاسی دینی با رهبری غیر منصوب:

دسته دیگری از نظام های سیاسی وجود دارد که فاقد ریشه دینی است و فقط مدعی انتصاب به دین هستند که این گروه نیز 2 دسته می شوند:

73 - علی اصغر نصرتی، نظام سیاسی اسلام، پیشین، ص 74.

74 - همان، ص 78 و 80.

75 - همان، ص 81 و 83.

2- ب - 1: نظام سیاسی با رهبری خلیفه:

خلافت همان امارت و فرمانروایی است. در این نظام خلیفه خود را جانشین رسول خدا می داند و علاوه بر منصب حکومتی نوعی منصب دینی نیز برای خود قائل است و اداره‌ی شئون مسلمین و ریاست دولت را بعد از وفات رسول خدا عهده‌دار می‌شود.

نظریه خلافت به عنوان رقیب نظریه امامت پس از رحلت پیامبر گرامی اسلام دنبال شد تا سالیان متمادی عرصه جامعه اسلامی را در اختیار خود گرفت.

شرایط تعیین خلیفه نیز عبارت است از: قریشی بودن، بلوغ، عقل، آزاد بودن، مرد بودن، سلامت اعضای بدن، شجاعت، کفایت جنگی، سیاست و اقامه حدود، عدالت و علم در حد اجتهاد.⁷⁶ مهم‌ترین وظیفه خلیفه هم عبارت بود از حفظ دین، صدور احکام، اجرای حدود، دریافت فیء و صدقات، توزیع بیت المال، رسیدگی به مرزها و جهاد با دشمنان اسلام.

2- ب - 2: نظام سیاسی با رهبری پادشاه (نظام سلطنت):

در اینجا منظور نوعی حکومت موروثی است که در میان مسلمانان و در امتداد نظام خلافت پیدا شد و به شکل‌گیری نظام‌های سلطنتی قدرتمند در عالم تشیع و تسنن انجامید.

در این نظام سلطان به ظاهر خود را طرفدار اهل بیت دانسته و سلطنت خود را عطیه الهی قلمداد می‌کرد ولی در عمل به دنبال بر انداختن دین و تضعیف نهادهای دینی بودند هرچند علمای شیعه گاهی در مواقع اضطرار تقیه و حفظ مصلحت، حکومت سلاطین را می‌پذیرفتند، اما همچنان آنها را غاصب حق ولایت می‌دانستند.⁷⁷

اغلب علمای اهل سنت هم بر این عقیده بودند که حاکم در جوامع اسلامی مصداقی از ولی امر مورد اشاره در کتاب و نص است. چنانچه ابن تیمیه با اشاره به حدیثی از پیامبر که فرمودند اگر دو نفر مسلمان به سفری می‌روند لازم است یکی از آنها عهده‌دار امارت شوند نصب امام به مفهوم پیشوا یا ولی امر را واجب دینی می‌داند. حتی خنجی از علمای شافعی با پذیرش نظریه استیلا به عنوان یکی از شیوه‌های انعقاد امامت، واژه‌های سلطان، امام و خلیفه را در مورد فرد واحدی به کار می‌برد و به نوعی، امامت و خلافت را در سلطنت

76 - ابوالحسن علی بن محمد مادردي، ادب الدنيا و الدين، ترجمه عبدالعلی صاحبی، ص 21 و 18.

77 - همان.

کلیه حقوق مادی و معنوی این اثر متعلق به دانشگاه باقرالعلوم علیه السلام می باشد

منحل می خواند و اطاعت از امر سلطان را در امر و نهی کردن واجب می شمارد.⁷⁸

78 - فضل الله بن روزبهان خنجی، سلوک الملوک، خوارزمی، تهران، ص 18.

چارچوب نظری

نظریه سیستمی: (کارکردگرایی ساختاری)

هرگونه تحقیق و پژوهش در باره‌ی نظام سیاسی و دولت در اسلام، ناگزیر وظیفه تحلیل مفاهیم اصلی آن را نیز به عهده دارد. در این قسمت تلاش می‌شود، مفهوم نظام، ساختار و کارویژه‌های اصلی را نظریه سیستمی مورد تحلیل و بررسی قرار دهیم تا چارچوب کلی بحث در فصول آینده برای خوانندگان عزیز واضح‌تر شود. در نظریه‌های سیستمی، نظام اشاره به سازمان و تشکیلاتی دارد که با محیط در کنش و واکنش متقابل است یعنی هم بر آن اثر گذاشته و هم از آن تأثیر می‌پذیرد این واژه همچنین حکایت از وجود اجزاء درونی متعددی دارد که با هم در تعاملند.

نظام سیاسی از مجموعه‌ی مهمی از نهادهای اجتماعی تشکیل می‌یابد که با صورت‌بندی و اجرای اهداف جمعی برای یک جامعه یا گروه‌های داخلی آن سر و کار دارند.

در حالت معمولی نوعی اجبار مشروع پشتیبان تصمیمات نظام سیاسی است و از همین رهگذر اطاعت از آن تصمیمات بر افراد جامعه تحمیل می‌گردد. در واقعیت امر، مشروعیت می‌تواند در حالت بسیار متفاوتی داشته باشد. ضعف مشروعیت می‌تواند سبب فروپاشی سازمان سیاسی و شکست سیاست‌های دولت گردد. شکست سیاست‌ها نیز به نوبه‌ی خود می‌تواند موجب از دست رفتن مشروعیت شود. نظام‌های سیاسی کارهای بسیاری انجام می‌دهند: جنگ به راه می‌اندازند یا صلح و آرامش را تشویق می‌کنند. بازرگانی بین‌المللی را ترویج می‌کنند یا آن را محدود می‌سازند، بر مردم خویش به شکلی نابرابر یا برابر مالیات می‌بندند. به رفتارها نظم می‌بخشند برای آموزش و پرورش بهداشت و رفاه مردم منابعی را تخصیص می‌دهند و...⁷⁹.

نظام سیاسی برای انجام مستمر این فعالیت‌ها نهادها سازمان‌ها یا ساختارهایی همچون احزاب سیاسی، مجالس قانون‌گذاری دستگاه‌های دیوانی و دادگاه‌هایی دارد که هر یک پی‌گیر فعالیت‌های خاصی است. به عبارت دیگر هر ساختار، کارویژه‌هایی را به اجرا می‌گذارد که به نوبه‌ی خود سازمان سیاسی را قادر به تدوین و اجرای خط‌مشی‌های خود می‌سازند. نظام، ساختار و کارویژه مفاهیمی اساسی برای درک چگونگی تأثیر محیط طبیعی و انسانی بر سیاست و تأثیرپذیری در آن هستند.

هر نظام سیاسی در دل دو محیط داخلی و بین‌المللی قرار دارد که هم به آنها شکل می‌بخشد و هم از

79 - گابریل ا. آلموند، سیاست تطبیقی، ترجمه علی‌رضا طیب، ج 2، تهران: مرکز مدیریت دولتی، ص 4-10.

آنها شکل می پذیرد نظام از این دو محیط دروندادهایی به صورت تقاضا و پشتیبانی دریافت می کنند و می کوشد تا آنها را از طریق بروندادهای خود شکل دهد.

مزیت رویکرد سیستمی این است که واژگانی را در اختیار ما می گذارد که به کمک آن می توانیم رویدادهای متعامل درون و میان کشورها را توصیف و مقایسه و تبیین نماییم. برای آنکه در سیاست به قضاوت‌های درستی دست یابیم باید نظام‌های سیاسی را در بستر محیطشان مد نظر قرار دهیم و توجه کنیم که چگونه این محیط هم گزینه‌های سیاسی را محدود می سازد و هم فرصت‌هایی برای انتخاب فراهم می آورد. سازمان داخلی و روش‌های نظام سیاسی را باید در چارچوب یک پرسش اساسی شناخت. برای سیاست‌هایی که نظام پیگیر آنهاست چه ساختارهایی مناسب‌تر از همه است؟

رویکرد سیستمی ما را از انجام قضاوت‌های سیاسی عجولانه و جانبدارانه باز می دارد. همچنین نظام و نهادهای آن محدودکننده‌ی خط مشی‌هایی است که رهبران و فعالان سیاسی قادر به پی گیری آنها هستند. با این حال در عصر حاضر که دوران تغییرات شتابان به شمار می رود. چنانچه اهداف رهبران و فعالان سیاسی دگرگون شود می توان یک دسته نهادهای سیاسی را به جای دسته‌ای دیگر گذاشت.

مفهوم وابستگی متقابل حتی از حد این رابطه‌ی میان سیاست‌ها و نهادها نیز فراتر می رود. اجزاء مختلف هر نظام سیاسی نیز متقابلاً به هم وابسته‌اند. چنانچه حکومتی بر پایه حضور نمایندگان برگزیده‌ی مردم در نهادهای قانون‌گذاری استوار باشد باید نظام انتخاباتی نهادینه‌ای داشته باشد اگر شمار افراد بهره‌مند از حق رأی چشم گیر باشد سیاستمداران جویای مقام باید برای وارد شدن در کارزار انتخاباتی رأی دهندگان را بسیج کنند و احزاب سیاسی را سازمان دهند. نهادهای سیاست‌گذار نظام سیاسی پس از تصویب قوانین نیازمند مدیران و کارمندی برای اجرای این قوانین و نیز قضاتی برای تعیین موارد نقض قانون و مجازات لازم برای نقض کنندگان هستند.⁸⁰

ساختار و کارویژه:

تنها با طرح پرسش‌هایی در مورد فرآیند و عملکرد است که می توان به ویژگی‌های ساختاری معنا بخشید. تجزیه و تحلیل زمانی معنا و مفهوم پیدا می کند که بتوانیم بگوییم چه نهادی مجری چه کارویژه‌هایی با چه پیامدهایی است.

کارویژه‌های فرآیندی برای تدوین و اجرای خط مشی‌ها در هر نوع نظام سیاسی ضرورت دارد. این فعالیت‌ها را از آن رو کارویژه‌های فرآیندی می‌خوانیم که در فرآیند تدوین خط مشی‌ها نقشی مستقیم و ضروری دارند. پیش از تصمیم‌گیری در مورد خط مشی‌ها باید برخی افراد یا گروه‌ها در داخل حکومت یا جامعه مشخص سازند که خواهان و آرزومند به دست آوردن چه چیزی از سیاست هستند. فرآیند سیاسی هنگامی آغاز می‌گردد که این منافع بیان یا تصریح شوند اما منافی که به صورت درونداد وارد نظام می‌گردند، برای اثربخش بودن باید در قالب سیاست‌های بدیلی همچون، افزایش یا کاهش مالیات‌ها تألیف گردند تا بتوان حمایت سیاسی چشم‌گیری برای آنها دست و پا کرد.

ائتلافی که از منافع سیاسی چشم‌گیری مانند آراء مردم برخوردار است از یکی از این خط مشی‌ها حمایت می‌کند و در این مرحله سیاست‌گذاری آمرانه جامه‌ی عمل می‌پوشد.

کارویژه‌های فرآیندی توسط ساختارهایی همچون احزاب قوه‌ی مقننه مجریان سیاسی دستگاه دیوانی و دادگاه‌ها به اجرا درمی‌آیند.

همه کارویژه اصلی نظام سیاسی یعنی جامعه‌پذیری، گزینش کارگزاران و ارتباط‌گیری، دخالت مستقیم در تدوین و اجرای سیاست‌های عمومی ندارند ولی برای نظام سیاسی اهمیتی بنیادین دارند.

- جامعه‌پذیری سیاسی در برگیرنده خانواده، مدرسه، رسانه‌های ارتباطی، نهاد مذهبی و تمامی ساختارهای سیاسی مختلفی است که ایستارهای سیاسی جامعه را به وجود آورده، تقویت کرده و تغییر می‌دهند.

- گزینش کارگزاران سیاسی به انتخاب افراد برای فعالیت‌های سیاسی و مناصب حکومتی اشاره دارد.

— ارتباط‌گیری سیاسی نیز ناظر به جریان یافتن اطلاعات در دل جامعه و ساختارهای مختلف تشکیل‌دهنده‌ی نظام سیاسی است.

این سه کارویژه را کارویژه‌های سیستمی می‌خوانند زیرا آنها تعیین کننده‌ی تغییر یا حفظ نظام هستند.⁸¹ سومین دسته از کارویژه‌ها به بروندادها یعنی نمودهای اجرایی فرآیند سیاسی مربوط می‌شود. این کارویژه‌ها را که کارویژه‌های سیاست‌گذاری می‌نامند همان اثرات اساسی وارد بر جامعه اعتقادی فرهنگی هستند. این کارویژه‌ها شامل اشکال مختلف تنظیم رفتار، به دست آوردن منابع در قالب مالیات و نظایر آن و توزیع مزایا و خدمات میان گروه‌های مختلف مردم می‌باشند. نتایج تمامی این فعالیت‌های سیاسی با دور زدن سیستم به

صورت دروندادهای جدید تقاضاهای تازه برای اقدام به قانون‌گذاری یا اجراء و افزایش یا کاهش میزان حمایت از نظام سیاسی تحویل سیستم می‌گردد. این مفاهیم کارکردی فعالیت‌هایی را تشریح می‌کنند که در هر جامعه‌ای قطع نظر از نحوه‌ی سازمان یافتگی نظام سیاسی آن یا نوع سیاست‌هایی که این نظام تدوین می‌کند به اجرا گذاشته می‌شود با استفاده از این مقوله‌های کارکردی می‌توان تعیین کرد که در کشورهای مختلف چگونه نهادها با هم تلفیق می‌یابند و خط مشی‌های عمومی مختلفی را تدوین کرده و به اجرا می‌گذارند.

در نظام سیاسی شهروندان از دو راه در فرآیند سیاسی مشارکت می‌جویند فعالیت‌های مشارکت‌جویانه که آن دسته از فعالیت‌هایی است که شهروند معمولی می‌کوشد از راه آنها بر روند سیاستگذاری اعمال نفوذ کند. ممکن است چنین شهروندی برای تشویق گذراندن قانون تأمین مسکن، نامه‌ای به عضو کنگره بنویسد یا به جای کمک به یک نامزد هوادار محیط زیست برای کمک به نامزدی که هوادار توسعه صنعتی است فعالیت کند. فعالیت‌های پیرومنشانه آن دسته فعالیت‌هایی است که شهروند معمولی در جریان اجرای سیاست‌ها درگیر آنها می‌شود. قوانینی تصویب می‌شود و شهروند مزبور خواه در مقام پرداخت کننده‌ی مالیات، دریافت کننده‌ی تسهیلات رفاهی یا صرفاً رعایت کننده‌ی قوانین به آنها پاسخ می‌دهد.⁸²

- همه نظریه‌های نظام سیاسی در اسلام قبل از هر چیز دلیل یا ادله‌ی توجیه‌کننده‌ای برای وجوب و وجود دولت در اسلام ادله‌ی می‌دهند این دلایل معمولاً بر قرآن، سنت، عقل یا ضرورت‌های عقلایی استوارند. از آنجا که تحلیل ادله نخستین و بنیادی‌ترین مرحله در شکل‌گیری نظریه دولت در اسلام است اختلاف نظر در ادله، و مبانی آنها اغلب موجب اختلاف در ساختار و کارکرد دولت اسلامی شد.

نظریه‌ها پس از تمهید ادله لازم به طور آشکار یا ضمنی به شمارش و معرفی عناصر قدرت در دولت اسلامی می‌پردازند. یعنی مجموعه‌ای از نهادها و گروه‌هایی که بنای دولت را در یک نظریه تشکیل می‌دهند همچنین نظریه به طراحی و تعریف شبکه خاصی از قدرت اقدام می‌کنند یعنی با چینش عناصر قدرت و ایجاد نوعی تقدم و تاخر بین گروه‌ها و نهادها نظم و آرایش ویژه‌ای را به عناصر قدرت تحمیل می‌کنند و هر نهاد و گروهی را در جایگاه معینی که نظریه نشان می‌دهد بر می‌نشانند.

نظریه‌ها همچنین به تبیین نهاد رهبری می‌کنند به مثابه عالی‌ترین مرکز تصمیم‌گیری و هدایت دولت می‌پردازد با توجه به اهمیت مسأله بحث مفصلی در باره‌ی اوصاف رهبر و شرایط استقرار و برکناری رهبران

82 - گابریل ا. آلموند، سیاست تطبیقی، ترجمه علی‌رضا طیب، ج 2، تهران: مرکز مدیریت دولتی، ص 23-27.

طرح می‌کنند. آنگاه به بحث در باره دامنه قدرت دولت و رهبران می‌پردازند و توضیح می‌دهند که آیا دامنه قدرت دولت محدود به حوزه عمومی است یا قلمروهایی از زندگی خصوصی افراد را نیز در می‌نوردد. سرانجام نظریه‌های دولت همواره مسیرها و مجاری خاصی را برای بازخوردهای اجتناب‌ناپذیر تمهید می‌کنند حلقه‌های بازخورد، حاکمان را از موقعیت خروجی‌ها و نتایج تصمیمات دولت مطلع می‌کنند و امکان را فراهم می‌آورد که تصمیمات با شناخت بیشتر انجام شده و در مواقع لزوم تجدید نظر شود. بازخوردها حتی ممکن است موجب دگرگونی اساسی‌تری در نظریه دولت و استنباط نظریه‌پرداز شده زمینه پیش نظریه‌های جدیدتری درباره دولت اسلامی را تدارک نمایند.⁸³

بنابر آنچه در تعریف سیستم سیاسی لحاظ شد نظام سیاسی اسلام را باید مجموعه‌ای به هم پیوسته از فعالیت‌های سیاسی تلقی کرد که شمار بزرگی از کارگزاران و با هدف خاصی آن را تعهد کرده و انجام داده‌اند این سیستم از عناصری همبسته تشکیل شده است که هرکدام به تنهایی بخشی از نظام سیاسی اسلام را تشکیل داده، نهادها و گروه‌های معینی را شامل می‌شود این ویژگی سیستم سیاسی را عناصر ساختاری یا به طور کلی "ساختار" نظام سیاسی اسلام می‌نامند در مقابل نوع روابط تعریف شده بین ساختارهای موجود در درون نظام سیاسی اسلام را کارکردهای همان ساختارها یا به طور خلاصه "کارویژه" نظام سیاسی اسلام می‌نامند.⁸⁴

روشن است که نظریه‌های مختلف نظام سیاسی در اسلام ساختار و کارویژه‌های متفاوتی را برای دولت اسلامی تعریف می‌کنند. ساختارها در هر نظریه سیاسی عناصر اصلی تحلیل‌اند ماهیت رابطه بین آنها نیز می‌بایست به منظور ایضاح تفصیلی و جزئیات نظام سیاسی ملحوظ در نظریه کشف شود.

بر همین اساس در این چارچوب تحلیل سیستمی را در بررسی نظام مهدوی به کار می‌بریم و از همین زاویه ساختار و کارکردهای مورد توجه این نظریه‌ها در باره‌ی دولت اسلامی و خصوصاً نظام سیاسی مهدوی واری می‌نماییم.

در خصوص ساختارهای نظام سیاسی اسلام خصوصاً در دولت مهدوی بر عناصر و نهادهای دولت کریمه مهدوی، شبکه‌ی قدرت و روابط نظام سیاسی مهدوی و تأثیر زیادی خواهد شد.

در باره کارویژه‌های نظام سیاسی مهدوی نیز به مرکز و نهاد تصمیم‌گیری یا رهبری دولت که از آن حضرت مهدی (عج) در رأس و یاران خاص ایشان در رده‌های پایین‌تر است و همچنین به بازخوردهای موثر در

83 - داود فیومی، نظام سیاسی و دولت در اسلام، تهران: سمت، ص 18.

84 - داود فیومی، نظام سیاسی و دولت در اسلام، پیشین، ص 14.

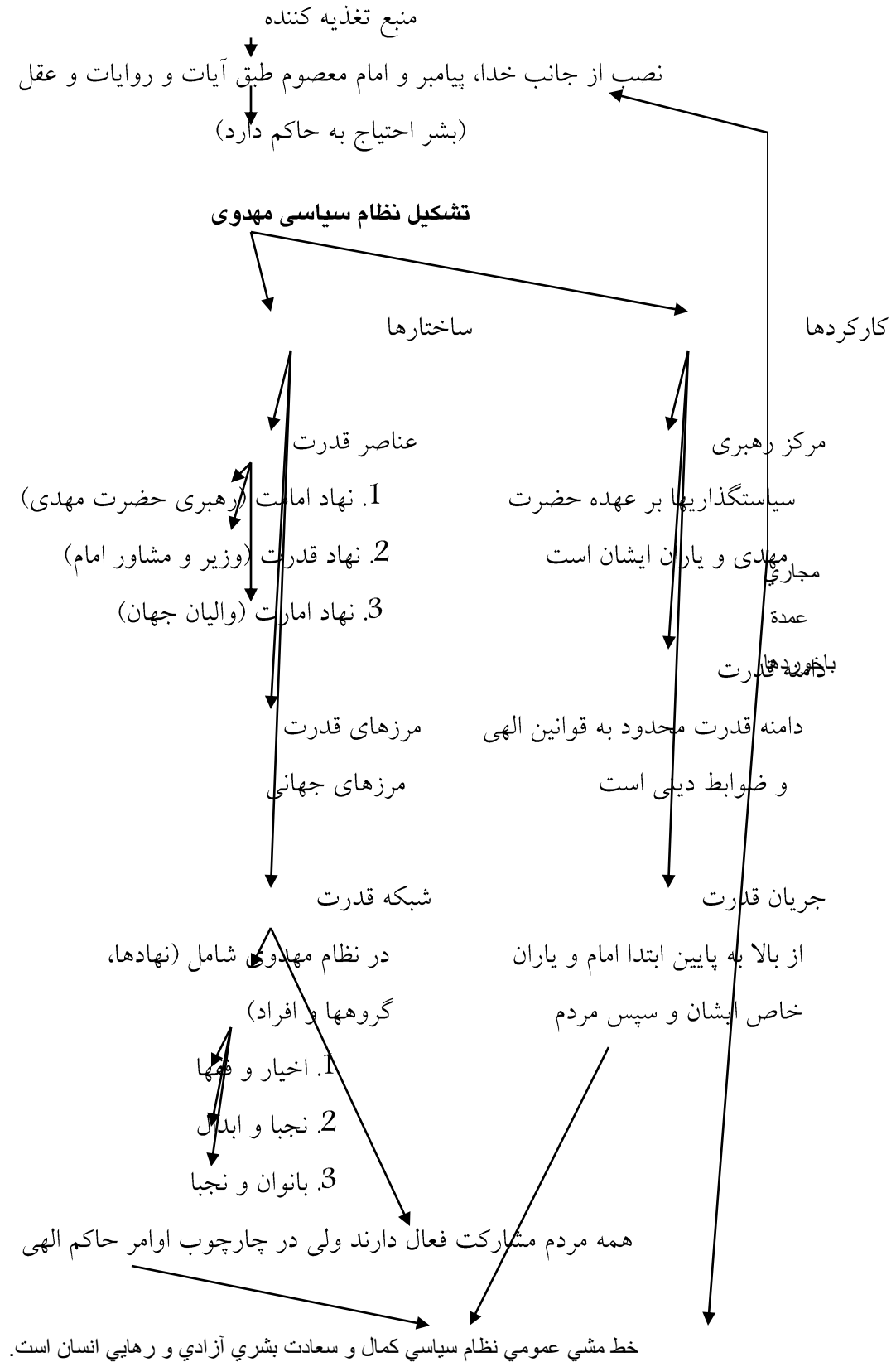
کلیه حقوق مادی و معنوی این اثر متعلق به دانشگاه باقر العلوم علیه السلام می باشد

دولت و در نهایت به دامنه‌ی قدرت در نظام سیاسی مهدوی خواهیم پرداخت و از دل این ساختار و شبکه قدرت نشان خواهیم داد که آزادی سیاسی چه جایگاه و مرتبه‌ای در ساختار نظام سیاسی مهدوی دارد و چه کارویژه‌ها و کارکردهایی از دل این آزادی سیاسی منتج خواهد شد.

در خصوص ساختارهای نظام سیاسی اسلام خصوصاً در دولت مهدوی بر عناصر و نهادهای دولت کریمه مهدوی، شبکه قدرت و روابط نظام سیاسی مهدوی تأکید زیادی خواهد شد. در باره کارویژه‌های نظام سیاسی مهدوی نیز به مرکز و نهاد تصمیم‌گیری یا رهبری دولت که در آن حضرت در رأس و یاران ایشان در رده‌های پایین‌تر است و همچنین به بازخوردهای مؤثر در دولت و در نهایت به دامنه قدرت در نظام سیاسی مهدوی خواهیم پرداخت و از دل این ساختار و شبکه قدرت نشان خواهیم داد که آزادی سیاسی چه جایگاهی و مرتبه‌ای در ساختار نظام سیاسی مهدوی دارد و چه کارویژه‌ها و کارکردهایی از دل این آزادی سیاسی منتج خواهد شد. به عبارت دیگر در این پژوهش به این نکته اساسی خواهیم پرداخت که آزادی سیاسی در نظام سیاسی مهدوی آیا جایگاهی دارد؟ و خواسته‌ها و حقوق مردم در این نظام چگونه به عنوان درونداد وارد نظام سیاسی می‌شود و بر این اساس برون‌دادهای دولت و نظام سیاسی چیست و دولت چه خط مشی‌ها و تصمیماتی را در نظر می‌گیرد.

بر این اساس می‌توان نمودار زیر را طبق نظریه کارکردگرایی ساختاری برای سیستم (نظام) سیاسی مهدوی چنین ترسیم کرد.

کلیه حقوق مادی و معنوی این اثر متعلق به دانشگاه باقر العلوم علیه السلام می باشد



کلیه حقوق مادی و معنوی این اثر متعلق به دانشگاه باقر العلوم علیه السلام می باشد

بر اساس این نمودار مردم در شبکه قدرت سهیم هستند و چنان که در فصول آینده خواهد آمد حضرت به همه مردم، گروه‌ها، توده‌ها آزادی سیاسی و حق مشارکت در کلیه امور سیاسی فرهنگی اقتصادی و... را خواهد داد. ولی دامنه‌ی آن محدود به رعایت ضوابط و قوانین الهی است.

نتیجه‌گیری فصل اول:

در این فصل که شامل کلیات مفاهیم و چارچوب نظری بود ابتدا به مفهوم آزادی از دیدگاه اندیشمندانی چون امام خمینی، مرتضی مطهری، شهید بهشتی منتسکیو و... و سپس به بیان گونه‌شناسی آزادی از جمله آزادی مثبت و منفی، آزادی معقول و غیر معقول و آزادی سیاسی اجتماعی و معنوی پرداخته شده است و سپس تعریف آزادی سیاسی عناصر و مؤلفه‌های آن و انواع آزادی‌های سیاسی بیان شده است. در تعریف آزادی سیاسی چنین آمده است: فقدان دخالت و ممانعت دولت‌ها (به طور غالب) در برابر اشخاص یا تشکل‌های سیاسی در جامعه به منظور انجام رفتارهای سیاسی خاص خود یا برخورداری از حقوق اساسی. انواع آزادی‌های سیاسی نیز بر دو مبنا تقسیم‌بندی شده است یکی بر مبنای نوع رفتار سیاسی و دیگری بر اساس حقوق اساسی اشخاص و تشکل‌ها.

در ادامه فصل اول پیشینه‌ی بحث آزادی در سنت اسلامی و همچنین تعریف مفهوم نظام سیاسی اصطلاحات مترادف با آن شامل دولت، حکومت و کشور و علاوه بر آن انواع نظام‌های سیاسی دینی و غیر دینی بیان شده است.

همچنین چارچوب نظری یعنی نظریه کارکردگرایی ساختاری بیان شده است. که نظام سیاسی مهدوی را در قالب آن تطبیق داده‌ایم.